

# اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱۹ مرداد ۱۳۶۳ برابر با ۱۰ اوت ۱۹۸۴  
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۹

به مناسبت انتشار برنامه سازمان  
برای دفاع از زندانیان سیاسی

## زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهیم!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن انتشار برنامه همه جانبه ای برای دفاع از زندانیان سیاسی، همه نیروهای مترقی و میهن پرست را به تشدید و هماهنگی مبارزه در راه دفاع از حقوق زندانیان سیاسی فراخوانده است. فراخوان کمیته مرکزی سازمان مایکارد یگر اهمیت ویژه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی را در این عرصه یادآوری می نماید. همانگونه که ما در صفحات این نشریه منعکس کرده ایم، زندانهای جمهوری اسلامی آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی است. وضعیت زندانیان سیاسی در ایران یکی از دردناکترین جنبه های عمل رژیم را به نمایش می گذارد. در زندانهای ایران دهها هزار تن از شریف ترین مردم میهنمان، رویاروی جلادانی قرار گرفته اند که به شقاوت آنها کمتر دیده شده است. در نظر زندانیان، زندانیان سیاسی در حکم گروگانهایی می باشند که از هرق و حقوقی بی بهره اند. با اعمال سبانه ترین اشکال شکنجه و ارباب بران هستند تا مقاومت و شرافت آنها را درهم بشکنند. اما با بقیه در صفحه ۱۱

## ابتدائی ترین حقوق انسانی زنان پایمال تفکرات ضد بشری حاکمیت جمهوری اسلامی

پرست و مترقی و همچنین همه خوانندگان خود می خواهیم با انعکاس گسترده اینگونه مطالب و تصویب وجهی که رژیم برای زنان میهنمان آفریده است مبارزه علیه ارتجاع و تاریک اندیشی را توانمند تر سازند.  
بقیه در صفحه ۶

از طرف گروهی از زنان مبارز میهنمان نامه ای در مورد شرایط و وضعیت زنان در جمهوری اسلامی برای نشریه ارسال شده است. مابرا، انعکاس گویای از جنایات جمهوری اسلامی در این عرصه به درج متن کامل آن می پردازیم و از همه سازمانها و نهادها و انجمنهای میهن

## تهاجمات وسیع رژیم در کردستان و مقاومت خلق کرد

که مرکز فرماندهی نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان است، اخیراً در منطقه شمال غربی کردستان یورش وسیعی انجام پذیرفته که متعاقب آن ادعا شد روستاها و ارتفاعات بسیاری از این منطقه به تصرف رژیم درآمده است. این عملیات به دنبال یورش گسترده ای صورت می گیرد که در جریان آن اعلام شد ۷۰ روستای خاک و بقیه در صفحه ۲

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، با توجه به تجربیاتی که از به خاک و خون کشیدن خلق کرد، به دست آورده اند، برای تصرف مناطق آزاد شده در کردستان، شیوه تهاجمات وسیع را در پیش گرفته اند. اتخاذ این شیوه بیش از هر چیز نشان دهنده ابعاد مقاومت رزمندگان کرد در برابر ددمنشی های جمهوری اسلامی است. بنابراین اطلاع "قرارگاه حمزه"

## جوانان میهنمان در جهنم جمهوری اسلامی

پرتوان و اندیشه های خلاق و پویایان، در جهت پی افکندن جامعه ای سعادتمند بکار آید. اما اکنون، با گذشت نزدیک به ۶ سال از انقلاب نه تنها تمامی چشم اندازهای نوید بخش، در پی سیاهکاریهای حکام ج.ا.ی. به تیرگی غلیظی گزاینده، بلکه سلامت جسمی و روانی جوانان بقیه در صفحه ۳

با پیروزی انقلاب بهمین، جوانان میهنمان به حق انتظار داشتند که اقبای روشن، مطمئن و نوینی فراری آنها گشوده شود و دیگر نشانی از محرومیت های اقتصادی، اجتماعی، روانی و فرهنگی که نتیجه سیاست و استه و ضد مردمی شاه معدوم بود، در جامعه نماند و دستشان

به مناسبت ۱۴ مرداد روز اعلام مشروطیت

## انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید

### نیست غیر از خون پاکان، خونهای انقلاب

به عنوان یکی از فرازهای عده جنبش رهایی بخش ضد استبدادی و ضد امپریالیستی میهنمان - باقی بماند، برای این که یک واقعیت تاریخی، از دیدگاه خلق تبیین گردد، این روز را بایست روز تحمیل قانون اساسی، بر سلاطین خون آشام بقیه در صفحه ۵

۱۴ مرداد روز انقلاب مشروطیت - نایده اند. از نظر مورخین بورژوازی و درباری، این روز سالگرد توشیح "قانون اساسی مشروطه، از جانب مظفردالدین شاه قاجار است، مظفر" و "مراحم ملوکانه" اما اگر قرار باشد ۱۴ مرداد، همچنان شاخص انقلاب مشروطه -

## هیروشیما و ناکازاکی،

## افشاگر چهره پلید امپریالیسم آمریکا

با اکثریت ساکنین آن، در عرض چند لحظه به خاکستر تبدیل شدند. هنوز هم، عبوا قنب تشعشعات اتمی ناشی از این انفجار، باعث ناقص الخلقه بد دنیا آمدن کودکان و انتقال نسل به نسل انواع بیماری های ارثی در میان بازماندگان فاجعه و فرزندان آنها می گردد. دولت آمریکا هنگامی دست به این جنایت بقیه در صفحه ۴

۳۹ سال پیش، در ششم و نهم اوت ۱۹۴۵ به دستور ترومن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، برای نخستین بار در تاریخ، دو شهر ژاپنی هیروشیما و ناکازاکی مورد حمله اتمی قرار گرفتند. جهانیان با پدیده ای بنام تا بودی جمعی آشنا شدند. انفجار این دو بمب اتمی به کشتار مردم بیگناه با ابعاد کاملاً بی سابقه انجامید. دو شهر نامبرده، به کلی ویران گشته

به مناسبت هشتاد و نهمین سالگرد درگذشت انگلس

## "چه مشعل فروزانی

## از خود خاموش گشت

و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد"  
در صفحه ۱۰

## راهیمائی صلح سوند عرصه

کلرزار علیه سیاستهای جنگ طلبانه  
ومیلیتاریستی امپریالیسم

در صفحه ۴

# زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

## به مناسبت انتشار برنامه سازمان برای دفاع از زندانیان سیاسی

## زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهیم!

بقیه از صفحه اول

و چون در زندانهای قرون وسطایی رژیم، مقاومت و پایداری غرور آفرین زندانیان سیاسی دامنه پیگیری و دلاوریهای رزمندگان خلق افزایش می یابد. آنها نه تنها به مظالم و جلا دادن و مرتجعین تکلیف نمی کنند، بلکه بنحوی روزافزون بر حقوق و مطالبات خود پای می فشرند. با وجود حاکمیت شکنجه و شلاق بر زندانیان ایران، زندانیان سیاسی از همه اشکال ممکن برای تحمیل حقوق خود بر رژیم سود می جویند. اعتصاب زندانیان سیاسی اهواز، اعتراض جمعی در قزل حصار، پافشاری در کسب خواسته های رفاهی در اوین و ... گوشه ها و اشکالی از مبارزه ای است که در زندانیان میهن بلاکشیده ماجریان دارد.

وضعیت هو لنگ زندانیان رژیم، نفرت و انزجار عمیق مردم میهنان را علیه حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی برانگیخته است. همراهی و همدردی گسترده مردم با خانواده واقو ام شهدای زندانیان سیاسی، جلوه ای از انزوای رژیم در این عرصه است.

در جهان نیز زندانیان سیاسی ایران از وسیع ترین حمایتها برخوردار شده اند. جبهه نیرومندی از نیروهای مترقی و آزاد یخواه از مطالبات آنها پشتیبانی می کنند. پشتیبانی این جبهه نیرومند، به سهم خود دفنار سنگینی بر مرتجعین حاکم بر ایران وارد آورده است. رژیم اگرچه همچنان می کوشد از تمکین به خواسته های مردم ما و بشریت آزاد یخواه و خیراندیش سر باز زند، اما بنحوی دم افزون از توان مقاومت کاسته می شود. برای درهم شکستن سماجت رژیم باید از همه امکانات و مقدرات سو د جست. کوشش در شناخت و بکارگیری امکانات و زمینه هایی که برای دفاع از زندانیان سیاسی وجود دارد و وظیفه همه سازمانها و کسانی است که حقوق و شرافت انسانی را پاس می دارند.

انتشار فراخوان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) بیانگر جایگاه ویژه جنبش دفاع از زندانیان سیاسی در میسان مجموعه جنبش خلق است. برنامه مدون منتشره چارچوب معین و معتبری برای پیشبرد کوشش در دفاع از این زندانیان رافراهم آورده است. در میان مجموعه مبارزاتی که در این عرصه صورت گرفته است، مبارزه ایرانیان مقیم خارج از کشور سهم ارزنده ای دارد. کمیته مرکزی سازمان مخاطران می سازد که:

" ایرانیان آزاد یخواه و عناصر مترقی در خارج از کشور در حال حاضر می توانند نقش بسیار مهمی در دفاع از زندانیان سیاسی ایفا کنند. آنان باید به روشی ممکن شخصیتها، احزاب و محافل مترقی جهان را از جنایاتی که در زندانیان ایران می گذرد، آگاه سازند. باید به هر شکل ممکن توجه جهانیان را نسبت به آنچه که در میهن بلاکشیده مای گذرد جلب کرد. هواداران سازمان در خارج از کشور تاکنون

## تهاجمات وسیع رژیم در کردستان و مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه اول

خون کشیده شده است.

در سال جاری، طبق اخباری که از کردستان می رسد، هیچ یک از تهاجمات رژیم با موفقیت توأم نبودند. نیروهای سرکوبگر نتوانسته اند حریم پایگاههای قبلی خود را به میزان محدودی گسترش دهند که در مقابل با تلفاتی که داده اند، پیروزی محسوب نمی شوند. به عنوان نمونه یورش به مناطق آزاد شد سردشت که در همین یورش گسترده یک سال اخیر رژیم در منطقه کردستان بود، منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۶۰ تن از نیروهای سرکوبگر گردید. نیروهای رژیم در جریان این حمله روستاهای " گل کلک"، " کانی زرد"، " داودا"، " دولشو"، " قاپوله"، " پو بانه"، " سیی داره"، " سیوه مرگ"، " ناشیو نه"، " دارمه کون"، ... را به زیر آتش سلاحهای سنگین خود قراردادند، خانه های بسیاری را ویران ساختند و چندین روستایی را که در میان آنان کودکان ده ساله نیز، به چشم می خورد به شهادت رساندند. از مناطق نزدیک به ترکیه نیز خبر می رسد که نیروهای سرکوبگر رژیم در همدستی با ارتش مزدور ترکیه، پیشمرگان را مورد تاخت و تاز و حمله خود قرار داده اند. همکاری با ارتش ترکیه برای سرکوب جنبش خلق کرد در ایران و نیز در ترکیه، بر مبنای توافق که سران دو رژیم به عمل آورده اند، هر روز در ابعاد بیشتری می یابد. همدستی با این برادر ناتویسی نیز نخواهد توانست در کردستان برای رژیم چاره ساز باشد و تنها برداشته بی آبرویی ها و سیاهاکاریهای جمهوری اسلامی خواهد افزود.

زندانیان سیاسی بی توجه به تفاوتها و مذہبی، عقیدتی و ... در این مبارزه و نتایج آن سهیمند. هم اینک در زندانیان، زندانیان سیاسی درگزینش نمایندند، تنظیم شکل های داخلی و ... به و ابستگی های سازمانی بلکه به شایستگی های یکدیگر نظری می کنند. این وضعیت را خرید مندی زندانیان سیاسی در زمینهای رزایی واقع بینانه از وضعیت زندان بطور اخص و وضعیت میهن ما بطور اعم بوجو داده است. برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی نیز همین شیوه باید در پیش گرفته شود. کوشش در غلبه بر مواعین موجود، لاینفک از مبارزه ای است که در پیش گرفته ایم. هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور برای غلبه بر موانع موجود از تهاجمات رژیم برای دفاع از زندانیان سیاسی در هر سطحی که باشد استقبال خواهند کرد. هیچ میهن پرستی نباید با گریز از مبارزه مشترک برای کسب حقوق زندانیان سیاسی شانه خالی کرده و نیروها را هرز دهد. مبارزه مشترک مای گمان پیروز خواهد شد.

با برپایی راه پیمایی ها، اعتصابات، اجتماعات تحصن ها و با مراجعه به مقامات و مجامع بین المللی و سازمانها و شخصیت های مترقی و آزاد یخواه توانسته اند نیروی عظیمی را علیه رژیم های جمهوری اسلامی بسیج نمایند. این مبارزه که همراه با مبارزات توده ایها و دیگر نیروهای مترقی و میهن پرست پیش رفته است، تاثیر سزایی در افشا و انزوای جمهوری اسلامی برجای گذاشته است. اینک با رایج برنامه مدون سازمان، امکانات تازه تر و مشخص تری برای ادامه این مبارزه توقف ناپذیر فراهم شده است. ضمن اینکه باید مبارزه خود را تا آزادی بی قید و شرط آخرین زندانی سیاسی ایران پیگیرانه ادامه دهیم. ضروری است مبارزه حول حقوق زندانیان سیاسی نیز پیگیرانه دنبال شود. این حقوق و مطالبات که باروشنسی و صراحت و بطور همه جانبه در این برنامه بازتاب یافته است، باید در وسیع ترین سطح ممکن در خارج از کشور طرح شود. مطالبات مندرج در برنامه مبتنی بر حقوق شناخته شده و تایید شده زندانیان سیاسی در ضوابط و قوانین بین المللی است و تنها جنایت پیشگانی از طراز سردمداران جمهوری اسلامی می تواند آنها را انکار نماید. طرح وسیع و پیگیر این مطالبات، می تواند وسیع ترین نیرو را حول آن گرد آورد. این برنامه نه تنها مبتنی بر آمال زندانیان سیاسی و مردم ایران می باشد، بلکه با آرمانهای خیراندیشان بشریت ترقیخواه، مجامع، محافل و شخصیتهای آزاد یخواه نیز انطباق دارد. با نشر وسیع آن در خارج از کشور می توان و باید مبارزه در عرصه ملی و بین المللی راهمانگ نمود. ضرورت این هماهنگی اهمیت و وظیفه ای را که هواداران فدایی در خارج از کشور بر عهده گرفته اند، آشکار می سازد. جستجو و بکارگیری پیگیرانه همه زمینه هایی که برای طرح آن وجود دارد و وظیفه ای درنگ ناپذیر است، تا در ادامه مبارزات غرور آفرین هواداران سازمان، این خواسته ها بطور مشخص و مدون به گوش جهانیان برسد.

روشن است که این مبارزه، امر مشترک همه ایرانیان آزاد یخواه و عناصر مترقی در خارج از کشور می باشد. هواداران سازمان در خارج کشور به پیروی از مضمون استوار و متین سازمان، از هرگونه عمل مشترک میان نیروهای مترقی و میهن پرست، در این زمینه نیز استقبال می کنند. اشتباه هو لنگی خواهد بود هرگاه راه دیگری ترجیح داده شود. رجحان تشکلت بر شکل تنها به کام جلا دادن خواهد بود. اینک در زندانیان رژیم، همبستگی میان زندانیانی که شلاق مرتجعین مشترکا برشانه هایشان فرود می آید، دم افزون است. رنج هر زندانی، رنج مشترک تمامی زندانیان مبارز است. ثمره مبارزه ای که در زندان به قیمت مرگ و زندگی پیش می رود، در انحصار دست و گروهی از زندانیان قرار نمی گیرد. همه

# جوانان میهنمان در جهنم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

میهنمان، آماج تبهکارانه ترین سیاستهای ارتجاعی قرار گرفته است.

امروز، سینه پرشوردها هزارتن ازدختران و پسران جوان کشورمان، تنهایی گناه عشق به میهن و انقلاب، و عدالت و آزادی با گلوله‌های سربین جنایتکاران از زهم شذافته است و دهها هزارتن از بهترین فرزندان میهن، در کشتارگاهها رژیم با سبعمانه ترین شکنجه‌های جسمی و روانی مواجهند. هزاران جوان انقلابی و مبارز، به خاطر حضور در صفوف سازمانها و احزاب مترقی و آزاد یخواه تحت پیگرد فاشیستی قرار دارند.

اکنون، هستی دهها هزار نوجوان و جوان ایرانی، ناجوانان عدوانانه در کوره‌های جنگ سوخته و خاکستر شده است و هزاران معلول جسمی و ذهنی، بخشی از قربانیان سیاستهای حماقت‌آمیز و خائنانانه رهبران چپ در اصرار به ادامه این جنگ ابلهانه محسوب می‌شوند. اینک، عده بیشماری از کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی، در زندانهای رژیم عراق، تحت اسارتند و در حالیکه بیمارهای کشنده‌ی ناشی از جراحات جنگ و شرایط دشوار زندانها جانشان را تهدید می‌کند، رژیم بایی اعتنایی کامل به وضعیت تافتار نگیرانها، بازهم به سیاست القابا و رهای دروغین و پوچ و بی محتوا، و سوء استفاده از احساسات بخشهایی از کودکان و نوجوانان ادامه می‌دهد.

هزاران جوان ایرانی به خاطر عدم تمکین به سیاستهای ارتجاعی رژیم، بایاس و نگرانی نسبت به سرنوشت آینده خود، اسیر شده و بی رفق در کنج خانه‌ها خیزده انسد و سرخوردگی‌های اجتماعی و روانی، عده‌ای از آنان را تدیرجا راهی بیمارستانهای روانی می‌کند. اکنون اکثر بیمارستانهای روانی در ایران، بطور نمونه بیمارستانهای روانی حافظ و نمازی شیراز، مملو از دختران و پسران جوانی است که بی رجانه قربانی سیاستهای قسرون وسطایی و تبهکارانه رهبران چپ گذشته‌اند. در بین بیماران روانی جوان، دختران جوانی که به جرم دختر بودن ستم مضاعفی را تحمل می‌کنند از تعداد بیشتری برخوردارند. خودکشی در بین جوانان، بطور دامن گستری شیوع می‌یابد. تنها اخبار روزنامه‌های دولتی چپ، در این خصوص، ارقام فاجعه‌باری را نشان می‌دهد. شیوع انواع سکت هادریسن جوانان ایرانی بنا به اظهارات جراید، بالاترین رقم را در جهان شامل می‌شود.

امروزه بخش قابل توجهی از نوجوانان و جوانان کشورمان، به منظور تامین ابتدایی‌ترین نیازهای اقتصادی خود، مجبور شده‌اند به کارهای کاذب و پستی روی آورند که شخصیت

اجتماعی آنان را خرد می‌کند.

هزاران نوجوان و جوان دیگر، اکثریاً زیر فشارهای نیازهای مادی، با شرکت در ارگانهای جاسوسی و سرکوب رژیم، حیثیت و شرافت انسانی خویش را پایمال می‌کنند و به موجوداتی پست و جانی بدل می‌شوند.

توصیف نتایج سیاستهای ارتجاعی حکام چپ ۱۰. در رابطه با سایل و حقوق جوانان، براساسی مثنوی هفتاد من کاغذ می‌طلبند. هر روز که می‌گذرد، ابعاد فاجعه آفرین آن گسترش یافته و روز بروز نمودهای دردناک خود را آشکارتر می‌نماید. در طی چند ماه اخیر، روزی نیست که در صفات، روزنامه‌های چپ ۱۰ خبری در مورد کشف و دستگیری باند های سرقت، کلاهبرداری تجاوز جنایت که اعضای آنها را عمدتاً نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، چاپ نشود. تنها اکتفا به یک نمونه از این خبرها، خود نشان‌دهنده ورطه فلاکت‌باری است که رژیم در فراروی بخشی از جوانان ایران که دستشان به هیچ جایی بند نیست، گشوده است. در صفحه حوادث روزنامه کیهان (۷ مرداد) می‌خوانیم: "بانو سهیل نوجوانان بزهکار که تاکنون به سرقت از ۳۰۰۰۰۰۰۰ و منزل در تهران اعتراف کرده‌اند. شناسایی و متلاشی شد. دستگیر شدگان، نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله هستند که برای یافتن کاره‌های تهران آمد و سپس به دام رهبریان می افتادند. رهبر پاند پس از دستگیری اعتراف کرد که در اطراف میدان آزادی منتظر نوجوانان شهرستانی که برای یافتن کاره‌های تهران می آمدند می نشست و سپس با آنان دوست می شد. این افراد سپس در یاند مشغول فعالیت می شدند و اقدام به سرقت و سایل خانگی و لوازم اتومبیلها می نمودند."

اکنون در نتیجه زمامداری مترجمین، عده چشمگیری از نوجوانان و جوانان که باین بست بیکاری و فقر رو بریند، از آنجاکه برای رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی، جسمی و فرهنگی خود هیچگونه مفرقانونی و مشروع نمی یابند، اقدام به اعمال خلافی می کنند که در جاد رادامه آن به دزدان و تبهکاران حرفه‌ای میسندل می‌شوند. روند گرایش نوجوانان و جوانان، به ارتکاب جرایم فوق، که در سایه سیاستهای قسری و سرکوبگرانه رژیم، تمامی درهای نظام آموزشی و سازمان تولید اجتماعی به رویشان بسته است، آنچنان رو به گسترش است که حتی هزارگانه‌های روزنامه‌های دولتی چپ ۱۰ نیز، تحت فشار واقعیتها موجود، مجبوری شوند، رگه‌هایی از وضعیت حاکم در جهنم چپ ۱۰ را جستجو و گریخته منعکس سازند. روزنامه کیهان (۲۴ تیر)، طی گزارشی در مورد علل افزایش بزهکاری در جامعه می‌نویسد: "امروزه میزان جرایم و افزایش آنها در سطح جامعه از اهمیت ویژه و گسترده‌گی خاصی برخوردار شده است. گمته و گدارکو تاهی در کلاتر بها و ادا ره

# روی آب ماندن سوزن علت اخراج

یکی از هموطنان ارمنی دانشجوی سال آخر پزشکی بود و در بیمارستان ایران شهر تهران کار می‌کرد. وی مرتباً هم در کلاس ایدئولوژی حاضر میشد. یکبار بعلت وجود بیمار فراوان و نبودن پزشک از رفتن به کلاس ایدئولوژی خودداری نموده و میگوید اولاً در حال حاضر بیماراران بمن احتیاج دارند و ثانیاً من ارمنی هستم. معلم ایدئولوژی که يك آخوند حوزة علمیه قم بوده است، میگوید فعلاً مهمترین مسئله ایدئولوژی است و در هر حال در مرحله نخست قرار دارد. بالاخره ایشان مجبور به رفتن به کلاس می‌شوند. معلم بعد از آوردن مثالهایی از جمله چون تمام کلاغها سیاه هستند ما نمیتوانیم بگوئیم بهمین دلیل تمام سیاهها کلاغند و یا اگر چوب کبریت و يك سوزن هم وزن را در آب بیاندازیم سوزن ته آب میرود ولی چوب کبریت روی آب میایستد و اینها نشان از قدرت خداوند دارند. دکتر مزبور با او وارد بحث شده و با آوردن مثال طبق قوانین فیزیکی ثابت میکند که از طریق علم میشود سوزن را روی آب و چوب را ته آب فرستاد. آخوند مزبور عصبانی شده و میگوید تو کافر هستی و بهمین دلیل با ما مخالفت میکنی و او را از بیمارستان و دانشگاه اخراج میکنند.

با اینکه فقط دو ماه به اتمام دوره دکترایش باقی بود، حتی از دادن يك گواهی که ثابت کند او چند سال دانشجوی پزشکی بوده خودداری کرد ماند.

نماینده آنها (ارامنه) در مجلس هم گفته است که نمیتواند این موضوع را مطرح کند چون بیم این میرود که خودش را هم اخراج کنند.

آگاهی، کمیته‌ها و شهریان، دادسراها و دادگاهها همه نشان از افزایش میزان جرایم دارند که در این میان سرقت و کلاهبرداری درصد آمار اختلاف قانون قرار گرفته است. بررسی کوا تاهسی از آمار سنین سارقین و بزهکاران نشان می‌دهد که اکثر آنان نوجوانان و جوانان بین ۱۶ تا ۲۴ سال هستند. در حال حاضر بخشی از نسل جوان ما دچار رکود اخلاقی و فرهنگی شده

آنچه که اکنون، در جهنم چپ ۱۰ بر نوجوانان و جوانان میهنمان می‌گذرد، تصاویر تکاند هنده‌ای است از اقدام و شکنجه، زندان و اختناق، تبعیض و سرکوب، خشم و نفرت، یاس و نگرانی و... و این همه چیزی نیست، جز نتیجه منطقی خیانت رهبران کوراندیش چپ ۱۰ به اهداف والای انقلابی که دهها هزار نوجوان و جوان ایرانی بر سران جان باختند، جامعه‌ای را بنیاد نه‌بند که استقلال و آزادی، عدالت و سعادت شاخص آن باشند.

## هیروشیما و ناگازاکی، افشاگر چهرهٔ پلید امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه اول

پلید زد که جنگ دوم جهانی را به زانو درآورد. آلمان فاشیستی سه ماه پیش از آن تاریخ، و در آستانه شکست قرار گرفتن میلیتاریسم ژاپن، عملاً به پایان خود رسیده بود. بنا بر این، فسر و افکنند بمب اتمی بر هیروشیما و ناگازاکی را به هیچ عنوان نمی‌توان با این ادعا که گویا آمریکا

می‌خواسته از این طریق ژاپن را به تسلیم واداشته و به جنگ خاتمه دهد، توجیه کرد. واشنگتن از دست زدن به این جنایت، اهداف کاملاً متفاوتی را دنبال می‌کرد.

چهره جهان در اوت ۱۹۴۵ چگونگی بود؟ از یک سو، فداکارهای عظیم و بی‌شماری خلقهای اتحاد شوروی و دلاوریهای ارتش سرخ، فاشیسم متجاوز هیتلری را شکست داده و به مردم ۸ کشور اروپای شرقی امکان داده بود. سرنگون کردن دیکتاتورهای فاشیستی و برقراری دموکراسی توده‌ای، مسیر سوسیالیسم را برگزینند. مواضع امپریالیسم در اروپا با حذف لاف‌موتی امپریالیسم آلمان از صحنه و تضعیف بریتانیا و فرانسه، به شدت آسیب دیده بود. تناسب قوا در عرصه جهانی بسود سوسیالیسم، بسود دموکراسی و پیشرفت تغییر کرد. اما از سوی دیگر، در درون اردوی امپریالیستی، سرکرده قدر قدرت و تازه نفسی پیدا شد. امپریالیسم آمریکا، در میان کشورهای سرمایه‌داری برتری را بطور قطعی از آن خود ساخت. اگر پیش از آن، بار اصلی وظیفه مقابله با "خطر سرخ" به دوش امپریالیسم آلمان گذاشته شده بود، پس از جنگ، واشنگتن علم مبارزه با کمونیسم را در دست گرفت، مبارزه‌ای که بعلمت افزایش نفوذ و اعتبار سیاسی و قدرت نظامی اتحاد شوروی بسیار دشوارتر از دوران قبل از جنگ بود.

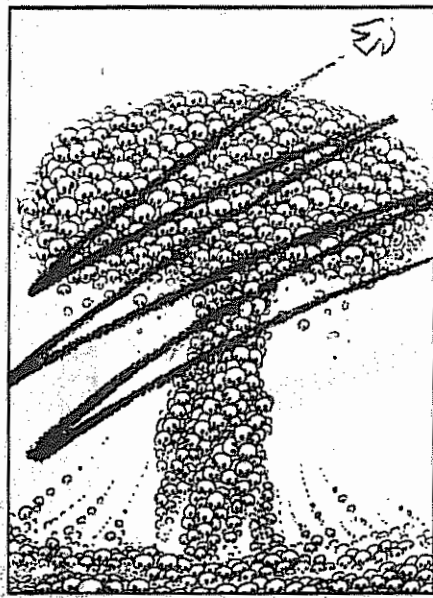
در سالهای آخر جنگ، جدیدترین کشفیات علم فیزیک به دانشمندی که تحقیقات نظامی آمریکا را انجام می‌دادند، امکان داد از طریق شکست کنترل نشده و زنجیر وار هسته اتم،

سلاح مرگباری اختراع کنند که قدرت تخریبی آن، دها و صدها برابر سلاحهایی بود که بشر تا آن تاریخ در اختیار داشت. همزمانی به نتیجه رسیدن این تحقیقات با شرایط جهانی ایجاد شده پس از پایان جنگ، فاجعه آفرید. طراحان استراتژی سیاسی و نظامی آمریکا هم می‌خواستند هر چه زودتر کارکرد سلاح جدید را بیازمایند و هم، از این طریق، به یک قدرت نمایی بزرگ ایجاد نظامی با هدف موعوب ساختن خلقها و نیروهای چپه جهانی ضد امپریالیستی دست زنند. دولت آمریکا می‌خواست با نابودی دوشهر ژاپنی، به جهانیان نشان دهد که

وسیطهای تازه برای تحمیل اراده خود به ملل دیگر در اختیار دارد.

اما هیچ چیز نتوانست نیروهای صلح و ترقی را از پیشروی شتابند فای که آغاز کرده بودند، باز دارد. مردم اتحاد شوروی، با همان حد از فداکاری و از خود گذشتگی که پیروزی نظامی در جنگ را امکان پذیر ساخته بود، به بازسازی مناطق ویران شده میهن خود همت گماشتند. در ظرف مدت کوتاهی، زخم‌های وارده به اقتصاد کشور شوراها التیام یافت. دموکراسی‌های نوپای اروپا، تحولات سوسیالیستی را با موفقیت به پیش بردند. نظام فرتوت مستعمراتی بسود سرعت فروپاشید. کشورهای نواستقلال، بسود نیروی عظیمی در جبهه نبرد با امپریالیسم جهانی تبدیل شدند. در این میان، امپریالیسم آمریکا که در ۱۹۴۵ از سلاح اتمی استفاده کرده بسود، چندین بار، در کره و ویتنام، به تهدید جدی استفاده مجدد از این سلاح روی آورد. اما، چهره جهان دیگرگون شده بود. انحصاراتی آمریکا توسط اتحاد شوروی، از میان رفته بود. تحکیم قدرت نظامی اتحاد شوروی، حفظ صلح بر مبنای موازنه قوا را امکان پذیر ساخت. حربه شانتاژ اتمی در برابر خلقهای "جهان سوم" کارایی خود را از دست داد، و در نهایت، اهدافی که امپریالیسم آمریکا از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی فرا روی خود قرار داده بود، بسود شکست مواجه شد.

آنچه از فاجعه هیروشیما و ناگازاکی برای آمریکا باقی ماند، افشای چهره پلید مدعیان "تعدن" و "آزادی"، و نفرت و انزجار جهانیان



از میلیتاریستهای پنتاگون است. امروز، بزرگداشت سالگرد نخستین بمباران اتمی، برای بشریت بیش از پیش به مفهوم تجدید عهد در مبارزه علیه آن نیروی اهریمنی است که در اوت ۱۹۴۵ فاجعه آفرید. همان نیرویی که هنوز، با دامنه زدن به مسابقه تسلیحاتی، نابودی بخش عظیمی از ثروت روی کره زمین را به بشریت تحمیل میکند، با برافروختن و توسعه آتش جنگ در این و آن گوشه جهان، هزاران انسان را به خاک و خون می‌کشد، و با اتکا به قدرت نظامی، می‌کوشد چرخ تاریخ را از حرکت باز دارد. حفظ صلح، تنها با مبارزه علیه این نیرو، باد ستبند زدن بسود دستان امپریالیستهای آمریکایی، امکان پذیر است و از سوی دیگر، لازمه مبارزه با این جهانخواران شرکت هرچه فعالتر در جنبش جهانیانگیر صلح، تلاش برای خاموش کردن کانونهای بحران و قطع مسابقه تسلیحاتی است.

## راهپیمائی صلح سوئد عرصه کارزار علیه سیاستهای جنگ طلبانه و میلیتاریستی امپریالیسم جهانی

شرکت کنندگان در این گرد همایی همچنین به طرق مختلف همبستگی خود را با نیروهای صلح طلب جهان و کلیه جنبشهای رهاییبخش کشورهای تحت سلطه اعلام نمودند. لازم به تذکر است که نمایندگان جنبش صلح از کشورهای مختلف جهان در این گرد همایی حضور داشتند که با یکدیگر به بحث و مشاوره پرداختند.

غرفه مشترک فدائیان خلق ایران (اکثرت) سوئد و سازمان حزب توده ایران در سوئد نیز مورد توجه شدید شرکت کنندگان قرار گرفت و بازدید کنندگان از این غرفه با امضا نمودن متن‌های اعتراضی، تنفر و انزجار خود را از شکنجه و کشتار نیروهای صلحدوست و ترقیخواه کشورمان ابراز نمودند.

بد نبال برگزاری کرد - همایی صلح در شهر "سیلکه بورگ"

دانمارک در تابستان گذشته، امسال نیز گرد همایی مشابهی با شرکت هزاران نفر از مردم صلحدوست و ترقیخواه اسکاندیناوی و سایر کشورهای اروپایی در شهر "ستروس" برگزار گردید.

بسیاری از شرکت کنندگان مسافتی بسیار طولانی را بوسیله دوچرخه پیمودند. این گرد همایی که از تاریخ ۱۲ الی ۱۵ جولای بطول انجامید، عرصه کارزاری بود علیه سیاستهای جنگ طلبانه و میلیتاریستی امپریالیسم جهانی که به سرکردگی امپریالیسم آمریکا.

## به مناسبت ۱۴ مرداد روز اعلام مشروطیت

## انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید

## نیست غیر از خون پاکان، خونهای انقلاب

(فرخی بزدی)

گویشهایشان فرو کرده اند . ننگ و نفرتی بیش از این ، نصیب رهبران جمهوری اسلامی باد که آزادی کشی و بی قانونی را به جای رسانده اند که اینک پس مانده های دربارنیز برای فریب مردم از آزادی و قانون ، دم می زنند!

جمهوری اسلامی نیز ، انقلاب مشروطه را شکست خورده می داند . ایدئولوگهای این رژیم ، بعد از به قدرت رسیدن ، لاشه متعفن شیخ فضل الله نوری را از زیر خاک بیرون کشیدند و او را پیشتاز و شهید جنبش اسلامی ، اعلام نمودند . شیخ فضل الله معدوم کسی است که هم صدا با محمد علی شاه قاجار ، انقلابیون مشروطه را " کافر " ، مالشان را " مباح " و خودشان را " هدر " دانست .

دو قطب ارتجاع ، دو انقلاب بزرگ دوران معاصر میهنمان را بین خود ، تقسیم کرده اند . سلطنت طلبان مشروطه را از آن خود می دانند و اسلام پناهان ، خود را مالک الرقاب جمهوری می خوانند . مشروطه چی های امروز از آن جهت که انقلاب بهمین ، بساط سلطنت ننگینشان را برچید ،

به این انقلاب کینه می ورزند و متشرعین حاکم ، از آن رو که ۷۸ سال پیش ، بیخ مشروطهشان نگرفت و سر شیخ فضل الله بالای دار رفت ، از انقلاب مشروطیت تنفر دارند . امانه قبالة انقلاب اول ، به نام قطب مغلوب ارتجاع است و نه انقلاب دوم ، ارشاد پدیری قطب غالب . این هر دو انقلاب ، از آن خلقی است که همین چندی پیش ، به درباری که حاکمیتش ، مظہر کا مل شکست انقلاب مشروطه بود ، نازشست نشان داد و فردا با سیلی تاریخ ، خائنین به انقلاب بهمین را ، گوشمالی خواهد کرد .

و دست نشانده ، بدانیم . انقلاب مشروطیت ، در سال ۱۲۸۵ و این سال ، در روز ۱۴ مرداد ، خلاصه نمی شود . انقلاب مشروطیت یک دوره تاریخی را در بر می گیرد که پاره ای از آمد های آن ، بسی از مرز مشروطه خواهی فراتر می روند . شکست انقلاب در سال ۱۲۸۹ نیز نقطه پایان ایمن دوره توفانی نیست . تاریخ رو ندی پیوسته است و همین پیوستگی است که جنبش جنگل ، جنبش خیابانی در تبریز و جنبش پسیان در خراسان را در تداوم آن حرکتی قرار می دهد که از ۱۲۸۴ آغاز شد . ضد انقلاب می تواند ، یک شبه غلبه کند ، ولی انقلاب ، یک شبه از یاد نمی افتد . انقلاب اکبر ، حریق جنبش را در ایران - کوه امپریالیسم و ارتجاع ، نتوانسته بود دند به طور کامل خفه اش سازند . از نو پرفروغ ساخت . شعله و رگشتن مجدد مشعل انقلاب ، امپریالیسم و طبقات ارتجاعی را به وحشت افکند . در بار قاجار د یگر نمی توانست مظہر بلوک ارتجاع و آن مشت آهنینی باشد که برفرق جنبش کو رسیده شود . جنبش قوی بود و امپریالیسم و ارتجاع می دانستند که باید با قدرت بیشتری در مقابل آن بایستند . اینجا بود که زیر شان رضا خان قلد ر را گرفتند و باکو دتای ۱۲۹۹ و متعاقب آن نهادن تاج بر سر این قداره کش مزدور و سرکوب

کامل انقلاب را جشن گرفتند . آیات عظام تیغ به عنوان یکی از ارکان بلوک ارتجاع برای حفظ کبان شرع انور ، این تاج شاهی را متبرک ساختند . پایه قدرت رسیدن دو دمان سرسپرده و خون آشام پهلوی ، ایران بیش از نیم قرن عرصه ددمشی های یکی از مخوفترین دیکتاتوریه های تاریخ معاصر گشت . درد و ران سلطه پهلوی نیز منویات ملو کانه ، برتر از همه چیز گشت و قانون اساسی مشروطه با همه عقب ماندگیهایش از همان روز اول حکم ورق پاره ای را پیدا کرد . و حال بازی تاریخ را بنگرید که پس مانده های بساط دیکتاتوری پیشین ، دم از انقلاب مشروطیت و قانون اساسی مشروطه می زنند ، در ۱۴ مرداد به یاد ستارخان و باقرخان جامه هایشان را بلبند می کنند و در مدح ، آزادی خواهی و پایبندی به قانون ، سخن سرمی دهند . این خود یکی از دستاوردهای انقلاب است ! آخر مگر نه این که ضد انقلاب نیز گاه الزامات انقلاب را منعکس می سازد ؟ حتی ضد انقلابیون سلطنت طلب نیز پی برده اند که مرد می ایران ، تجربه یک انقلاب پر شکوه را پشت سر نهاده اند و مزه بهار آزادی را چشید ه اند . حتی آنها نیز مثل پدر تاجسدار مد فو نشان ، صدای انقلاب را شنیده اند و این در حالی است که میوه چینان قیام ، پنبه در



بقیه از صفحه ۱۲

سرگردان باقی ماندند . دانشجویان ساکن

شهری و کرج را از خوابگاه بیرون کردند و جای آنها را به دانشجویان شهرستانهای دیگر دادند . در حالیکه سیاست سابق رژیم بر این بود که برای کنترل دانشجویان ، همه آنها در خوابگاهها ساکن داده شوند ، در مساوردی مثل مرکز تربیت معلم دختران ، حتی دانشجویان تهرانی نیز ملزم به اقامت در خوابگاه بودند . بنا بر گزارش مطبوعات رژیم در سال گذشته ۲۰۰۰ نفر دانشجوی به دلیل نیافتن مسکن ترک تحصیل موقت کردند .

در چنین شرایطی در سال تحصیلی جدید ، هزاران دانشجوی شهرستانی دیگر که از سد تفتیش عقاید گذشته اند و ارد تهرانی می شوند . برای اغلب آنها پرداخت رقم هنگفت اجاره بهای یک اطاق در تهران ، غیر ممکن است . رژیم نیز خود را ملزم به تامین مسکن آنها نمی داند .

## چند خبر در رابطه با وضعیت زنان درج ۱۰

● در شیراز زنی را که روسری او کمی بالاترفته بود ، متوقف کرده و مجبورش می کنند روسری دیگری را که ماورین همراه داشتند ، سر کنند . پشت این روسری نوشته بود " من یک فاحشه هستم " .

● در قاپم شهر روز ۱۷ فروردین زنی را به جرم زنا سنگسار می کنند . این عمل خشم اهالی را برانگیخته است .

● در ماه رمضان در قلهک ماشین گشت دوم را همراه یاد و زن به اتهام روزه خواری دستگیر می کنند در همانجا کنار خیابان تخت و شلاق را از ماشین بیرون کشیده مرد ها را شلاق می زنند . تنها مقاومت مردم باعث می شود از شلاق زدن زنان صرف نظر کنند .

● در اوین سربک زن را که بخاطری حجابی زندانی بود داخل سطلی پراز سوک می کنند زن مزبور را در این عمل سکنه می کنند .

● در اردبیل بیست ماه در افسریه تهران شخصی نامزد عقد شده خود را به کوه برده و با چاقو بطرف جیمی به قتل می رساند . پس از مدتی که این شخص آزاد می شود . دادگاه در پاسخ به اعتراض پدر دختر می گوید قصاص خون زن برابر یک مرد است . اگر می خواهید قاتل دخترتان اعدام شود باید خونهای یک زن دیگر را بپردازید .

● زنی که در تهران ، بخاطر " بی حجابی " به مدت سه روز در اوین زندانی شده بود می گفت کسان دیگری نیز بهمین اتهام در زندان به سر می بردند . یک گروه کامل را از یک جشن عروسی بیرون کشیده و زندانی کرده بودند . عروس نیز همراه آنان زندانی شده بود .

بقیه از صفحه اول

## ابتدائی ترین حقوق انسانی زنان پایمال تفکرات ضد بشری حاکمیت جمهوری اسلامی نشریه انقلابی اکثریت!

جنایات و فجایع بیشماری که امروزه در کشور در بند ماسبت به زنان صورت می گیرد ما را بر آن داشت که این نامه را برای نشریه "اکثرت" بفرستیم، تا نظرم میهنان خارج از کشور و سازمانهای مترقی و افکار عمو می جهان را بسیار دگرگیره این مساله جلب کنیم.

ما زنان ایران در شرایط بسیار سختی زندگی می کنیم و علیرغم فشارها و محدودیتهای بیشماره مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه می دهیم.

ما از نزدیک شاهد پایمال شدن ابتدایی ترین حقوق فردی و اجتماعی و انسانی زنان هستیم. محدودیت های بیشمار حتی در مورد رنگ لباس و رشته تحصیلی زنان به مسایلی عادی تبدیل شده اند.

زنان میهن ما هم اکنون در زیرشدیدترین سرکوبها و توهین ها بسر می برند، دستگاہهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی ازادی و تلویزیون گرفته تا انواع و اقسام روزنامه ها و مجلات، کوچکترین دریخی در این مورد ندارند. تمام تبلیغات در خدمت محروم کردن زنان از فعالیت های اجتماعی و بی ارزش نمودن مقام زن است. از همان آغاز هدفی که جمهوری اسلامی در رابطه با زنان پیش روی خود گذاشت و الگویی که برای زن انتخاب کرد، زن آشپزخانه بود، زنی که در هیچ فعالیت اجتماعی و سیاسی شرکت نکند، به قول معروف آفتاب مهتاب رنگ او را نبیند و فقط جمهوری اسلامی بتواند به اراده خود در راهیمایی ها و انتخابات و ... برای نمایش تبلیغاتی از آنها استفاده کند، بدون اینکه کوچکترین دخالتی در سرنوشت خود نداشته باشند. از همان ابتدا جمهوری اسلامی دریخی قانونیت بخشیدن به این هدف، طرحیایی به مجلس رایه داد و مصوبات مجلس نیز بنویسه خود به این امر پیروی رساند.

طرح کارنیه و قتل با عنوان که بر اساس آن ساعت کار زنان و حقوق آنها نصف می شود، همین هدف را تعقیب می کند. سیاست جمهوری اسلامی در جهت محدود کردن و بستن مہمہد کودک کارخانه ها نیز در رابطه با همین هدف است. بطور مثال در کارخانه پارس الکتریک زنان کارگر فقط حق گذاشتن یک فرزند به مهد کودک کارخانه را دارند این مساله باعث شد که یک جا ۲۶ زن به دلیل داشتن دو فرزند در مهد کودک از کار اخراج شدند.

همانطور که می دانیم مبارزه زنان بسیاری رهایی ازستم مضاعف با رژیم شاه و نقش زنان در به ثمر رساندن انقلاب ۲۲ بهمن چشمگیر بود. آنها در هر کجا که عرصه فعالیت و جود داشت باشور و شوق شرکت می کردند. ولی هیچگاه جمهوری

اسلامی نگذاشت که زنان در جایگاه واقعی خود قرار گیرند. اغلب زنان در شکل گرفتن شورا های محل، تعاونی های محلی و تشکل های محل کار فعال بودند، اما در موقع انتخابات، همیشه مواعید جدی در راه انتخاب آنها بود. می آمد و جز در موارد معدود از انتخاب زنان بمانحار، گوناگون جلوگیری می شد.

از طرف دیگر، زنانی که تقاضای اشتغال در مراکز کار می کنند به آنها گفته می شود که اگر همسران آنها سرکار هستند نمی توانند خودشان هم مشغول کار شوند. کارگزینی کارخانه کفش ملی بطور کتبی اعلام کرد که زنانی که شغلشان شاغل هستند، استخدام نخواهند شد. راه رشد و ارتقاء زنان در کارخانجات بسیار محدود است. البته به علت ارزان بودن نیروی کار زنان، استخدام آنها در کارهای فوق العاده ساده با دستمزد کم آنها زمانه می گردد. اما هیچگونه امکانی برای بالا بردن آموزش حرفه ای آنها، و یا تحصیل و غیره فراهم نمی شود. تازه محدودیتهای جدی نیز ایجاد می گردد. زنان هیچگونه تائین شغلی ندارند. هر روز با خطس ر اخراج و خانه نشین شدن روبرو هستند. در این پنج ساله در صد زیادی از زنان کشور مابه بهانه های مختلف از کار برکنار شده اند. حق کار کردن از زنان سلب شده و هر کسی را که کوچکترین تفاوت چسه در فکر و چه در ظاهر یاد او دسته حاکم داشته باشد به بهانه های گوناگون از کار اخراج می کنند. جمهوری اسلامی سعی می کند به طرق مختلف در محیط کار زنان را مورد آزار و اذیت قرار دهد، آنها را از کار زده کند و خانه نشین نماید. رعایت باصطلاح حجاب یکی از دلایل اخراج است. زنان باردار از ترس اخراج، از مرخصی زایمان استفاده نمی کنند و الا بعنوان کارمند ما را از کار برکنار می شوند. نمونه های زیادی شاهدیم که زنان معلم نه تنها از مرخصی قبل از زایمان استفاده نکرده اند، بلکه مجبور شده اند ده روز پس از زایمان به سرکار برگردند، انواع بیماریها و ناراحتی ها را تحمل نمایند و طفل خود را که از شیر مادر تغذیه می کند ساعتها بگذارند.

جمهوری اسلامی تحصیل زنان را در رشته کشاورزی ممنوع اعلام کرد. در حالیکه زنان روستایی که نیمی از زنان کشور را تشکیل می دهند به کار طاقت فرسای مزارع مشغولند زنان مابه دلایل موهوم از تحصیل در رشته های فنی و مهندسی، قضایی و بسیاری از رشته های هنری و ورزشی بالکل محرومند و سابقات ورزشی زنان در سطح کشور تعطیل شده است. نابرابری زن و مرد در جمهوری اسلامی

رسمیت یافته و قانونی شده است. طبق ماده ۵ قانون قصاص، اگر مرد مسلمانی زن مسلمانی را بکشد، تنهادر صورتی قصاص می شود که ولی زن، نصف ديه (خونبها) يك "انسان کامل" را به خانواده قاتل بپردازد. یا طبق ماده ۲۲ قانون قصاص "قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود." بنابراین اگر مردی وارد دبیرستان دخترانه شود، جلوی چشم هزار دانشآموز آموزش معلم زن، دخترتری را سر ببرد، اگر قاتل مایل به اقرار نباشد، هرگز این قتل ثابت نخواهد شد. آنچه هزاران زن به چشم خود دیده اند، برای ثابت شدن قتل هیچگونه اثری ندارد. همچنین طلاق زن توسط مرد بدون توافق و حتی در غیاب زن قابل اجراء است. حقوق مادری در شرایط طلاق پس از مرگ شوهر از زن بطور قانونی سلب می شود. بعد از مرگ شوهر حق نگهداری اموال و فرزندان به خانواده شوهر درجه اول و اگذار شده است و زنان نه تنها ابتدایی ترین حق خود یعنی حقوق مادری و تسلط بر اموال خانواده خود را از دست می دهند، بلکه بر اساس این قانون زنان و دیوانگان حق حیانت از فرزندان و اموال را ندارند. بدین ترتیب، قانون، زنان و دیوانگان را در یک ردیف قرار داده است.

ازدواج متعدد مردان بدون اجازه زنان رسماً و قانوناً نامجاز اسلامی پدید آورده است. بدین ترتیب هر روز تعداد کثیری از خانواده ها از هم پاشیده می شود. دادگستری تهران همه روزه محل تجمع انبوهی از زنان جهت حل مسائل حقوقی است، که این قوانین کذایی ایجاد کرده اند. زنان خشمگین با چهره های درهم به این قوانین غیر انسانی و خانمان برانداز اعتراض می کنند.

از سوی دیگر تحمیل حجاب به زنان مراحل قانونی خود را طی کرده است. زنان موظف به پوشیدن البسه ای در خیابان و مراکز کار شدند که رنگ و مدل آنرا مستویسین مراکز کارت تعیین می کنند و فقط دو چشم زن باید بیرون باشد. انواع گشتهای رسمی و غیر رسمی پشتوانه اجرای این قوانین قرون وسطایی است. زنانی که مطابق این خواست آنها عمل نکنند چه مسلمان باشند و یا اقلیت مذهبی، گشتهای رسمی آنها را شکار می کنند و با انواع و اقسام فحش و ناسزا و زندان و شلاق در مازه آنها باصطلاح مجازات می شوند، یا از طریق گشتهای مخفی و غیر رسمی به روی صورت آنها مس می پاشند، چاقو یا سنگ می زنند و زینکه رو سریش در تاکسی کمی عقب رفته باشد، مو تو رهای گشت مخفی با سنگ هم شیشه تاکسی را می شکنند و هم سر آن خانم را.

جمهوری اسلامی زنان منحرف را که محصول جوامع طبقاتی هستند به شیوه قرون وسطایی سنگساری کند و هیچ فرصت و امکانی برای بازآموزی و تجدید تربیت آنها فراهم نمی کند. از سوی دیگر حاکمان جمهوری اسلامی عملیاتی

برخوردی که ما موران جمهوری اسلامی با خانواده های پشت درزندانهایی کنسند، روی فاشیستی ترین رژیم ها و زندانیان راد رسول تاریخ سفید کرده است. زنانی که با هزار امید و آرزو برای پیدا کردن فرزندان و همسرانشان به پشت درزندانهایی روند، باتو هین و آزار ماورین رو برو می شوند. نمونه های زیادی داریم که این مادران رنج دیده پس از برگشتن از زندان دچار سکت قلبی شده و جان عزیزشان را از دست داده اند و داغ ننگ ابدی بر پیشانی جمهوری اسلامی زده اند. مادری که يك عمر فرزندان شایسته تربیت کرده و تحویل جامعه داده می بایست با چشم خود شاهد ازهم پاشیدن زندگی عزیزانش باشد. امروز در ایران کمتر خانواده ای است که دچار چنین وضعی نباشد. برای يك مادر هیچ دردی و هیچ لحظه ای دردناکتر از این نیست که خود مجبور باشد خانه و زندگی فرزندش را که یاد فرزندان بسر می برد یا اعدام شده یا در جنگ کشته شده و یا اسیر است جمع و جو ر کند و برای همیشه از او قطع امید کند. امروز این وضع مبتلا به تمام مادران مردم کشور است.

در مقابل این فجایع زنان ما آرام نیستند و به اشکال مختلف مخالفت خود را با این وضع نشان می دهند. آمار زندانیان، اعدامیان و کشته شدگان به دست رژیم و اعتراض جمعی و لی پراکنده زنان ما بهترین گواه بر این امر است. این شرایط دشوارنه تنها خللی در ادامه مبارزه ما ایجاد نمی کند، بلکه ما ستوارتر و راسختر از گذشته به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

ما خواهان پایان دادن به شکنجه

و آزادی زندانیان سیاسی بخصوص زنان و مادران درین هستیم!

ما خواهان آنیم که اهانتها و بی حرمتیها نسبت به مقام و موقعیت زنان در میهنمان قطع شود، حقوق فردی و اجتماعی و انسانی زنان به رسمیت شناخته شود و قوانین ارتجاعی درباره زنان لغو گردد!

ما بانو شستن این نامه بازگو کردن گوشه کوچکی از فجایعی که در میهنمان می گذرد می خواهیم اذهان مردم مترقی جهان را نسبت به این جنایات قرون وسطایی روشن سازیم. ما از همه سازمانهای انقلابی و مترقی و هم فعالین سیاسی خارج از کشور می خواهیم تا جنایات رژیم جمهوری اسلامی در مورد زنان را به گوش جهانیان برسانند و افکار عمومی مردم ترقیخواه را برای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران بسیج نمایند.

با امید و آرزوی صلح و خوشبختی برای همه مردم

این وضع بر سر قبر شهدای جنگ موقع خاکسپاری، پاسداران و ماوران رژیم برای وادار کردن، خانواده های شعارجنگ جنگ تاپیروزی حضور فعال دارند و مراقب هستند.

با ایجاد جو خفقان و فشار، محرومیت همه مردم ما از حقوق فردی و اجتماعی، و همراه گسترش مبارزه مردم علیه ارتجاع مبارزات زنان نیز وسعت بیشتری گرفت. در نتیجه زندانیهای ایران پر شد از زنان قهرمانی که با افتخار برای رهایی کامل میهنشان از چنگال ارتجاع و امپریالیسم می جنگیدند. تعداد زندانیان زن در جمهوری اسلامی قابل مقایسه با هیچ رژیم دیگری نیست. در زندانهای جمهوری اسلامی از دختران ۱۳-۱۴ ساله گرفته تا مادران ۷۰ ساله زندانی هستند. تعداد زیادی از زنان مبارز توده ای، فدایی و مجاهد که سالهای زیادی از عمر خود را در زندانهای محمد رضاشاهی گذارنده بودند و با انقلاب ۲۲ بهمن به دست مردم قهرمان میهنمان از زندانها آزاد شدند مجدداً دستگیر و زندانی شدند و اکنون تحت شدیدترین شکنجه های روحی و جسمی قرار دارند؛ از شلاق زدن، ناخن کشیدن، سو زدن بدن تا تجاوز و سوء استفاده از عواطف مادری آنها. در خیمان فرزندان خردسال را در مقابل چشم مادران برای بزانو در آوردن آنها شکنجه می دهند. تعداد زیادی از زنان باردار در زندان هستند که تحت شکنجه های شدید قرار گرفتند. گاهی مادران جوان را تا وضع حمل نگی می دارند و پس از وضع حمل درست در لحظه ای که بیشترین احساس مادری برانگیخته شده و لذت بخش ترین لحظات زندگی يك مادر فرا می رسد به جوخه های اعدام می سپردند. تاکنون صد هازن زندانی را به جوخه های اعدام سپرده اند.

تعداد زیادی از بچه های تولد یافته در زندان تا سن ۴-۵ سالگی در زندان و در شرایط بهداشتی بسیار بد نگهداشته می شوند. این کودکان معصوم در معرض امراض گوناگون قرار دارند و هر لحظه مرگ آنها را تهدید می کند. گاه برای شکنجه مادر چیره شیر آنها را قطع می کنند و کودکان درگرسنگی کامل بسر می بردند. در واقع این کودکان معصوم و سیله ای برای شکنجه مادران در دست دشمنانند.

تجاوز به دختران جوان قبل از اعدام و فرستادن نامه برای خانواده های آنها و دادن رخت و لباس آنها همراه با خبر اعدام دخترشان به همراه يك جعبه شیرینی و مقداری پول بعنوان مهریه بیانگرا و زالت حیوانی است و بالاترین ضربه روحی را برای خانواده ایجاد می کند. چه بسیار بودند افرادی گناهی که دستگیر شده اند و بعد از چند ساعت حتی بدون مدافعه نمایشی اعدام شده اند و خانواده آنها برای همیشه داغدار و عزادار شده اند.

(ازدواج موقت مرد با زن از چند ساعت تا چند روز) را جایزه می شمارند و در مراجع قضایی دربی قانونیت بخشیدن به آن هستند. آنها به تبلیغ این امر در مدارس دخترانه مشغولند و بدین طریق خود فحشا را رسمیت می بخشند. مردم با فرهنگ میهن ما با این اقدامات قسرون وسطایی و کثیف شدیداً مخالفند و بسه آن اعتراض می کنند.

مادران پنج ساله شاهد ازهم پاشیدن بسیاری از خانواده ها بودیم. جمهوری اسلامی تلاش می کند که مادران را از ستون و محور خانواده بودن محروم کند. بجای صفا و صمیمیت و اعتماد هر چه بیشتر جو جاسوسی و عدم تفاهم را بر محیط خانه تحمیل کند. بچه ها از همسان ستین دبستانی یا حتی قبل از آن مجبورند یا دروغ بگویند و یا جاسوس خانواده باشند. بابه نمایش گذاشتن نمایشهای تلویزیونی از مادران شهدا و مادران باصطلاح مومن که مورد شستشوی مغزی قرار گرفته اند، مثل مادر طریقی الاسلام (۱) سعی می کنند محبت و صمیمیت مادری را بکشند. الگوی زن مسلمان از دید آنها يك زن بی احساس، سنگسندل و قوی القلب است که کلیه عواطف و اوصاف مادری و همسریش را مدفون کرده و در عده های موهم که از نام ناشام از طریق رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی تکرار می شود بجز کشته شدن عزیزانش هیچ آرزویی ندارد. البته تاثیر چنین تبلیغاتی بر اکثر زنان میهن ما بجز کینه و نفرت هر چه بیشتر بر گرداندگان آن چیز دیگری نیست.

در رسانه های گروهی تبلیغات و سیعی می کنند که مادران ما برای فرستادن فرزندان به جبهه های جنگ و هدیه دادن خسوسون عزیزانشان سرو دست می شکنند. اما واقعیت این است که دردناکترین صحنه ها برای مادران، فرستادن اجباری عزیزانشان به جبهه برای ادامه این جنگ کثیف است. هر مادری تا آنجا که در قوه دارد سعی می کند مانع از رفتن فرزندش به جبهه ها گردد. امروز بیشتر جوانان ما با خاطر اینک نمی خواهند به جبهه این جنگ بی معنا و خانمان برانداز روند، متواری هستند و مادران با چنگ و دندان آنها را حفظ می کنند. علی رغم

(۱) تلویزیون جمهوری اسلامی صحنه ای را به نمایش گذارد که ملاقات این زن با فرزند محکوم به اعدامش طریقی الاسلام را ساعتی قبل از اعدام نشان می داد. فرزند که به جرم سیاسی به اعدام محکوم شده بود مادرش را با احساس مورد خطاب قرار داده و از او تقاضای بخشش می کرد. ولی مادر زنیور با خشم به فرزندش فحاشی می نمود و اظهار می داشت که خود حاضر است فرزندش را اعدام کند. این زن بعنوان مادر نمونه در جمهوری اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت و بعنوان سر مشق برای دیگر زنان معرفی شد. و این نمایش کثیف بارها از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش گردید. ("اکثريت")

## در حاشیه



## ایده متوقی (!) سیاست درهای باز

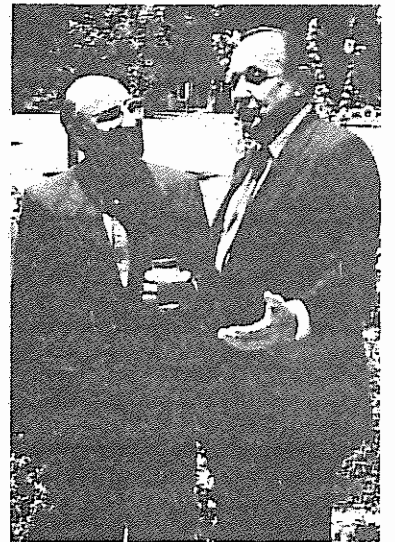
خامنه‌ای در دیدار با سفرا و کارداران چ ۱۰۰:

"امروزیکی از مهم‌ترین سئوالاتی که زما می شو داین است که سیاست جمهوری اسلامی چیست و ما در این زمینه باید ایده متوقی و قابل عرضه خود دراکه سیاست داخلی و خارجی ما را در ایجاد مختلف تشکیل می دهد به دنیسا تو ضیح دهیم."

و تو ضیح "ایده متوقی و قابل عرضه" از طرف خامنه‌ای در همین اظهارات چنین است:

"سیاست گشایش درهای باز در زمینه سیاست خارجی خود درایک سیاست اصلی و اساسی برای تحرك دراز مدت جمهوری اسلامی در زمان حال می دانیم." (جمهوری اسلامی - ۹ مرداد)

## گرفش ملیح



نمازی، وزیر اقتصاد و دارایی با کرنشلی ملیح در کنار گنشر، وزیر امور خارجه آلمان فدرال که در حال نوشیدن آبجو اسلامی است.

## برنامه ریزی تا انقلاب مهدی

عباسعلی بهاری نماینده مجلس:

"فقد رجماعه کشا و رزان بیداد می کند. دیگر از سهداشت در مان و آموزش مگو و مهرس، با اینکه گفت

شبنیدم از بزرگان سخن سنج

که سلطان رارعبت بهتر از گنج کران خرج ارشود آخرسر آید

وزین هر لحظه دخلی نو در آید باتوجه به اینکه دریک مثل قدیمی گفته شد اگر برنامه ریزی يك ساله در آید گندم بکارید، اگر برنامه ریزی دوساله در آید درخت بکارید

اگر برنامه ریزی صدساله در آید آنگاه انسان بکارید. ماکه انشاالله برنامه ریزی تا انقلاب مهدی داریم در برابرین دشمنان جدی باید به حقیقت کشاورزیکاریم. ولی در عمل شاهدیم که کشاورزان ما به این طرف آن طرف کوچ می کنند یا به شهرها روی آورند."

(جمهوری اسلامی - ۱۱ مرداد)

## از این طرف و از آن طرف

میزبانی عطاآبادی نماینده فلا و رجسان در مجلس:

"ازیک طرف الحمدالله همه معتقد به ولایت فقیه و پیرو خدا و امامند و از طرف دیگر هر عده با سنگ گرفتن پشت سر این شخصیت و آن گروه، همچنان به انگ زدن به یک دیگر و متزوی ساختن عناصر خوش سابقه و خد متکزار و لوٹ کردن شخصیت های متعهد و هتسک حیثیت افراد در سطح گسترده ادامه یافته است." (کیهان - ۱ مرداد)

## مشکل حکومت: صاحبان سرمایه

## و زمین با فرهنگ خودشان برمی گردند

رشیدیان نماینده آبادان:

"ما اگر در مسایل مهم اقتصادی توجه عمیق می کردیم برخی از این مسایل پیش نمی آمد. مثلا طاعون تپه و زمین خوارها که صاحب سرمایه و زمین بودند و فرار کرده بودند و مرتب بر گشته اند و اینها وقتی برمی گردند با خانواده و فرهنگ خودشان برمی گردند و یکی از فرهنگهای متصل به اینها نیز بی حجابی است." (کیهان - ۶ مرداد)

## درس اول

حجت الاسلام مقتدایی، عضو سخنگوی شورای عالی قضایی:

"عزیزانی که قصد ورود به دانشگاهها را دارند، باید دقت کنند جذب افراد ناصالح نشوند و توجه داشته باشند، اگر افراد منحرف و ناشایست در دانشگاه راه پیدا کرد، آنها را شناسایی و به مقامات صالحه، معرفی نمایند."

(جمهوری اسلامی - ۹ مرداد)

## ستاد فرهنگی روح الله

"سه جوان که بعنوان ستاد فرهنگی اقدام به بازرسی غیرمجاز مغازه های ویدئو فروشی می کردند. دستگیر شدند. پاسداران از آنان کارت شناسایی و حکم خواستند و بازرسان حکمی تحت عنوان ستاد فرهنگی روح الله ارایسه دادند." (کیهان ۷ مرداد)

## تو خود حدیث مفصل...

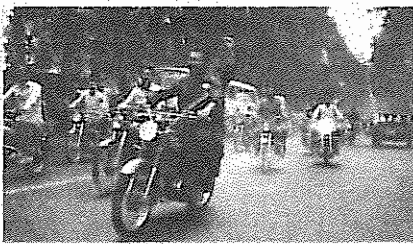
ناطق نوری وزیر کشور:

"اگر یک مناقق با تیغ بر صورت یک دختر دوازده ساله کشید و مشت بر صورت زن حامله کو بید و شیشه مغازه هاراشکست، چه کسی جواب می دهد. پس باید همه چیز قانونی انجام شود. شما نباید ارزشهای اسلامی را از بین

برید. چه جریان سیاسی پشت این قضایا هست. آیا شما انقلابی هستید؟ قطعاً حزب الله مشت به چشم بی حجاب نمی زند. تیغ نمی کشد. و نسبت، زنابه کسی نمی دهد. باید مواظب باشید که گول نخورید اگر قانون در این مملکت پیاده نشود، چه ضمانت دیگری دارید که گروهی دیگری راه نیفتد."

اطلاعات ۶ مرداد  
سخنان ناطق نوری، تنها گوشه ایی است از جنایات بی شمار حزب الله پیاده و مو توریو وزارت کشور و نهاد های سرکوبگر و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

## حزب الله موتوریزه



حزب الله موتوریزه در مصاف با زنان

## "همه کارها که با اسلحه نمی شود"

ناطق نوری و وزیر کشور:

"بنده سخته تلویزیون انتقادی کم چراتلویزیون فیلمهای بی حجاب را نشان می دهد؟ فیلم ندارید، نداشته باشید. همان فیلمها را که می گذارید والله من ناراحت شدم (من دچار "اختلال حواس" شدم)، ندارید نگذارید. این مردم نمی خواهند. اینها سرگرمی نمی خواهند. دستگا ههای تبلیغاتی ما باید کار کنند. همه کارها که با اسلحه نمی شود." (اطلاعات ۶ مرداد)

## مساله تعیین حدود

یکی از نماینده های مجلس "ازشورای محترم فقها و مراجع عالیقدرخواست تا حدود حجاب را تعیین کنند" (جمهوری اسلامی - ۴ مرداد)

بعد از آنکه، شورای محترم فقها و مراجع عالیقدر "به هیچ قیمتی حاضر نشدند، برای مساله مالکیت حد و تعیین کنند، اکنون نماینده مجلس خواست است "آقایان دست کم در مورد حجاب تعیین حدود" می بفرمایند تا مردم نگویند "شورای محترم فقها و مراجع عالیقدر"، "تعیین حدود" نمی دانند.

## سخن یک "به دام" افتاده

خامنه ای رییس جمهور:

"تکبر و خودخواهی و احساس منیت و غرور مانع اصلی اجرای اخلاق و عدالت در جامعه می باشد. دام تکبر و خود برتری بینی بدترین دامی است که بی اخلاقها، بی صفاها و بی وفاها و دروغگویان به آن دچارند." (کیهان - ۳۰ تیر)



## لطف داوران نسبت به ورزشکاران آمریکایی در لس آنجلس

بازیهای آمریکایی که بنام المپیک در لس آنجلس برگزار می گردد، عرصه ای است برای به نمایش در آمدن ناسیو نالیسم متجاوز و هاری که دولت رونالد ریگان با علم کردن آن، می گوشتد اهداف سلطه جویانه ارتجاعی ترین محافظان امپریالیستی را تحقق بخشد. در محافظان آمریکایی از بازیهای لس آنجلس بعنوان " عملیات طلال " یاد می کنند، و ویراستی نیز، این اصطلاح نظامی شایسته این نمایش است. برای دولت آمریکا، رسانه های گروهی-طفیای خبری این کشور و البته کمیته برگزاری بازیهای المپیک ۱۹۸۴ اقیسل از هر چیز صحنه نمایش " برتری " آمریکاست. آنها برای دستیابی به " موفقیت " ها و " پیروزی " های هر چه بیشتر، از دست زدن به اعمال و شیوه هایی که در تاریخ جنبش المپیک سابقه ندارد، و از کارگیری هیچ روش غیر اخلاقی و ضد ورزشی، ابا ندارند.

ورزشکاران کشوری که در این بازیهای شرکت جسته اند، بارها و بارها این تجربه تلخ را آزموده اند که در لس آنجلس، از " شرایط مساوی برای همه " خبری نیست. در بسیاری از رشته ها، داوران بنحو یکجانبه به سود آمریکایی ها قضاوت می کنند. تماشاچیان بطور سازماندهی شده، به تضعیف روحیه ورزشکاران میهمان می پردازند. برنامه بازیهای ترتیب انجام آن طوری تنظیم گردیده که تیم آمریکا از آن سود هر چه بیشتری ببرد.

به عنوان نمونه، و ورزشکاران تیم ژیمناستیک مردان چین شاهد بدترین نوع بی عدالتی در دادن نمرات توسط داوران بودند. علیرغم آنکه ژیمناستیک های چینی عملیات استادانه تری به نمایش گذاشتند، مردان آمریکایی یکی پس از دیگری نمرات " ۱۰ " ( بهترین نمره در ژیمناستیک) گرفته و برنده شدند. مشابه همین صحنه در ژیمناستیک زنان و در مورد تیم و ریزه رو مانسی تکرار گشت.

" گنیز " قهرمان شنای آزاد ۱۰۰ متر از آمریکا، به گواهی ناظران، زودتر از لحظه مقرر زودتر از همه شناگران در آب شیرجه زد، و علیرغم آنکه حتی شناگر دیگر آمریکایی که در این مسابقه به مقام چهارم دست یافت، تاکید کرد که هموطنش مرتکب خطا شده است، مدال طلا به " گنیز " آمریکایی و نه به نفردوم ( شناگر استرالیا ) رسید. شناگر استرالیایی بنام " هیث " در این باره گفت: " آنها ( آمریکایی ها ) گمان می کنند در اینجا، در لس آنجلس، می توانستند قوانین مخصوص به خود را حاکم کنند. "

به درخواست کمیته برگزاری، هیات اجرایی کمیته بین المللی المپیک تصویب کرد که در رشته دو و چرخه سواری " اسپرینت "، بجای یک نماینده از هر کشور، دو ورزشکار شرکت کنند. در نتیجه، آمریکا در این رشته به دو مدال دست یافت. حال آنکه عین تقاضا قبلا از سوی

فدراسیون بین المللی دو و چرخه سواری به کمیته بین المللی المپیک تسلیم شده و از سوی این کمیته مورد قبول قرار گرفته بود. در کشتی، دو داور رحلت قضاوت یکجانبه به سود کشتی گیران آمریکایی، از ادامه داوران محروم شدند. در مسابقه میان یک کشتی گیر آمریکایی و حریف کره ای وی، داوران، و ورزشکار آمریکایی را با امتیاز ۱۰ بر ۹ برنده اعلام کردند، اما کمیسیون داوران " فیلا " فدراسیون بین المللی کشتی، پس از اعتراضات زیاد، مجبور شد نتیجه مسابقه را بر مبنای مشاهده نوار ویدئوی آن، به ۱۲ بر ۱۰ به سود کشتی گیر کره ای تغییر دهد. کاره جایی رسیده است که حتی مقامات ورزشی عالی رتبه کشورهای که جزئی از یک کشور متحدان آمریکا، به شمار می روند، زبان به گلایه و شکایت گشوده اند. " هائیش فالاک " سرپرست تیم آلمان فدرال در یک مصاحبه رادویی گفت: " بازیهای المپیک محل مناسبی برای ( نمایش ) و ظن پرستی جدید "ی که

پرزیدنت ریگان خواهان آن شده است، نیست. بطور کلی بازیهای المپیک با ( اجرای ) سیاست ملی، مناسبت ندارد. بازیهای المپیک متعلق به همه است. وی افزود: " وضعی ایجاد شده است که در داوران رقابت ها، آمریکازامتیازات مخصوص برخوردار می گردد، امتیازاتی که خود ورزشکاران خواهان آن نیستند. من می خواهم صریحا بگویم این یک سیاست دقیق حساب شده است. " همچنین سامارائو، رئیس اسپانیایی کمیته بین المللی المپیک، طسی یادداشت شدید اللحنی از نحوه گزارش دهی یکجانبه " ای بی سی "، شبکه تلویزیونی آمریکایی ای که انحصار تهیه رپرتاژهای تلویزیونی از المپیک را خریداری کرده است، انتقاد کرد. بدیهی است که بر آوردن هدف ریگان در لس آنجلس، یعنی تصاحب هر چه بیشتر مدال برای آمریکا، با کمک برگزار کنندگان و داوران و چندان دشوار نیست. آنها می که در سیاست از حربه زورگویی و انکابه نیروی نظامی و سود می جویند، طبعا در ورزش نیز به وسایلی نظیر آنچه ذکر آن رفت، متوسل می شوند.

برجسته ایران و جهان و کتابهای در زمینه نقد شعرو وجوه مختلف این رشته از هنر، پدید آرند. تماس خودتان را با نشریه حفظ کنید و ما را در جریان پیشرفتهای خود بگذارید. موفق باشید.

☆ از رفقا " هادی "، " محبوب " و یک رفیق دیگر از ترکیه، به خاطر ارسال اشعارشان برای نشریه، تشکر می کنیم. مطالعه و کار بیشتر، به این رفقای مستعد که از احساسات شاعرانه روشنی برخوردارند، اجازه خواهد داد که سرپا به آن حد اوتوانایی ادبی برسند که قالبها و تصویبهای مناسب و جا افتاده ای را برای بیان اندیشه های خود برگزینند. منتظر شعرهای دیگر رفقا هستیم.

☆ رفیق " نینا "؛ طرحهای ارسال شما رسید. در این زمینه به همکاری خود با ما ادامه دهید.

☆☆ از کشورهای مختلف، مقداری طرح برای ما فرستاده شده است. انتظار همکاری بیشتری را از جانب رفقای هنرمندان داریم. رفقای طراح لازم است بویژه در زمینه شکنجه، اسارت و اعدام مبارزین، زنان، جنبش کارگری، دهقانان و خلقها، جلوه های گوناگون خیانت جمهوری اسلامی به انقلاب و مناسبتهای تاریخی مختلف، مسترا طرحهایی را تهیه کرده و برای ما ارسال دارند. تلاش بیشتر رقابت با لا رفتن کیفیت فرم نشریه خواهد شد. نشریه برای تکمیل آرشو عکس خود نیز، احتیاج به همکاری همه رفقا دارد.

☆☆ قابل توجه همه رفقا: نامه هایی را که برای ما می فرستید سعی کنید در کاغذ هایی به قطع پلی کپی (A4) باشد، با خود کار سیاه بنویسید و حاشیه سمت راست کاغذ را سفید بگذارید، تا فتوکپی گرفتن و بایگانی کردن آنها آسانتر انجام پذیرد.

## نامه های

## خوانندگان

☆ رفیق " پ " از ایتالیا: مقاله شمارانه همراه نامه حاوی بیان احساسات نسبت به نشریه، دریافت کردیم. ضمن تشکر، حتما به همکاری جدی تر با نشریه، ادامه دهید.

☆ رفیق " بابک " از هندوستان: تلاشهای شما را تقدیر می کنیم. برخی مطالبی که فرستاده بودید، در تهیه مقالات، مورد استفاده قرار گرفته اند. در این زمینه انتظار همکاری گسترده تری را داریم. اخبار ارسال باید بسیار سریعتر دست ما برسند تا ارزش خبری خود را از دست ندهند و بتوانند مورد استفاده نشریه، قرار گیرند.

☆ رفیق " " از اردو و تل: در حد حجم نشریه، در جهت انعکاس مبارزات طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری و همچنین جنبشهای رهایی بخش، پیش از پیش اقدام خواهد شد.

☆ رفیق " سهند " از اسپانیا: شعرهایی که برای ما فرستاده اید، نشان می دهند که شما تا آن حد به وزن تسلط یافته اید که بتوانید در مجموع آنرا رعایت کرده، با اصطلاح خارج نشده و شعرتان دچار سکنه نگردد. اما در آن فرمی که برای بیان احساساتتان برگزیده اید ارکان تصویر ( ایماژ )، وزن و قافیه، به جای این که در وحدت بایک دیگر اجاره برور به دریافت های شاعرانه تان بدهند، در مقابل هم ایستاده اند. تکیه اصلی خود را به نظر ما می بایست بر روی تصویر هابگذارید و در درجه اول، اجازه دهید، اندیشه هایتان، به راحتی جریان داشته باشند. با توجه به چشم انداز خوبی که دارید لازم است با جدیت به مطالعه اشعار شاعران



به مناسبت هشتاد و نهمین سالگرد درگذشت انگلس

## ”چه مشعل فروزانی از خرد خاموش گشت و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد“



را آماده انتشار ساخت. در همین سالها بود که اثر مهم ”مشا“ بنام او در آن نیز تالیف نمود. انگلس در سال ۱۸۹۴، به شدت سلامتی خود را از دست داد و در ماه اوت ۱۸۹۵ به بیماری سرطان گلو درگذشت.

”چه مشعل فروزانی از خرد خاموش گشت و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد“ (لنین)

### دزدی کادریهای متخصص

طبق گزارش روزنامه کویا ”گرانما“ یکی از شیوه های بهره رکنشی سیستم نواستعماری معاصر دزدیدن کادریهای کشورهای در حال رشد میباشد. تنها در طول ۱۵ سال اخیر، کشورهای در حال رشد حدود چهارصد هزار نفر از متخصصین فارغ التحصیل خود را که هم اکنون در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مشغول بکار میباشند از دست دادند.

ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۸۰ بیش از ۲۰۰ هزار نفر متخصصین فارغ التحصیل را از کشورهای مختلف به کشور خود برده است. اگر برای آماده کردن هر یک از این متخصصین در ایالات متحده ۴۵ هزار دلار بوجه صرف شود، بنا براین بودجه وارد شده به کشور حدود ۹ میلیارد دلار میباشد. این روزنامه خاطر نشان میسازد که در آمریکا ۳۷ درصد کسانی که به کسب جایزه نوبل نایل آمده اند و ۲۴ درصد اعضا آکادمی علوم افرادی هستند که از کشورهای دیگر به آمریکا انتقال داده شده اند.

۱۸۴۶، انگلس شخصا به هدایت کار تجدید فکری - سازمانی محافل کارگری آلمان، پرداخت. در نتیجه این فعالیت، ”اتحادیه کمونیستها“ ایجاد شد. او در ۱۸۴۷ به خاطر نیاز مبرم به یک برنامه، در کنگره اتحادیه، طرح موجزی را به نام ”اصول کمونیسم“ تهیه دید که به شالوده مهم کار مشترک مارکس و انگلس، در نشر ما نیفت، بدل گشت.

تا این مقطع اجزای اساسی مارکسیسم، هنوز در یک ارتباط محکم دیا لکتیکی با یکدیگر و به صورت یک آموزش کامل و نظام یافته، بیان نشده بود. این کار اولین بار در ما نیفت، انجام گرفت. انقلابات ۴۹ - ۱۸۴۸ بر روی آموزگاران پرولتاریا، که خود عملا در نبرد علیه ارتجاع و برای پر دامنه ساختن نقش طبقه کارگر در جنبش شرکتی جستند، تاثیر بسزایی نهاد. انگلس با جمع بندی تراز نامه این انقلابات، به ویژه انقلاب آلمان که در تمامی فراز و فرودهای آن، حضور داشت، درک طبقاتی از محتوای انقلابات استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی، نقش تاریخی - جهانی پرولتاریا، نقش توده های خلق در تاریخ و ضرورت برقراری ا کمیت پرولتاریا را دریست کرد، که از آن جمله اند ”جنگ دهقانی در آلمان“ و ”انقلاب و ضد انقلاب در آلمان“، تدوین نمود.

در دهه ۶۰ با تشکیل انترناسیونال کارگری، فعالیت ایدئولوژیک و سیاسی مارکس و انگلس، در جلوگیری از نفوذ انواع انحرافات رنکارنگ بورژوازی و خرد بورژوازی در جنبش کارگری شدت یافت. و متعاقب آن نظریات آن دو، در زمینه دیکتاتور پرولتاریا، حزب انقلابی طبقه کارگر، مشی سیاسی حزب طبقه کارگر و انترناسیونالیسم پرولتری، به جنبش کارگری عرضه گردید. در این مباحث،

آثار فلسفی انگلس ضریات خرد کنندهای را بر پیکر نگرشهای ایدئالیستی و انحرافی، وارد ساخت. در میان این آثار ”آنتی دورینگ“ مقام شاهخی دارد. ”آنتی دورینگ“ نمونه ارزنده ایست از بسط خلاق و پی گیری تئوری مارکسیستی و تنظیم دیا لکتیک به مثابه اسلوب معرفتی این بینش. انگلس در این اثر گرانقدر، توجه ویژه ای را به علوم طبیعی، مبذول داشت و اسلوب شناخت را به مثابه انتقال اشکال مختلف حرکت ماده، از شکلهای ساده تا سیستمهای پیچیده، عرضه نمود. انگلس نشان داد دیا لکتیک، از آنجایی که علم فونین کلی حرکت و تکامل طبیعت، جامعه بشری، تفکر و هم پیوندی کلیه پدیده ها درجه ان است، در حکم شالوده مند ولتویک کلیه علوم و همه زمینه های معرفت بشری است.

بعد از مرگ مارکس، انگلس با تلاش بی سستی ناپذیر، جلد های دوم و سوم کاپیتال

۱۴ مرداد (۱۵ اوت) برابر بود با هشتاد و نهمین سالگرد درگذشت فرد ریش انگلس، آموزگار کبیر پرولتاریا که همپای مارکس که عصاره خرد بشری و برافرازنده پرچم راهی پرولتاریای جهانی بود، تمام زندگی پر بار خویش را صرف پایه ریزی ایدئولوژی طبقه کارگر و شرکت فعال در رزم این طبقه نمود.

انگلس در ۲۸ نوامبر سال ۱۸۲۰ در خانواده یک بازرگان و صاحب یک کارخانه بافندگی، چشم به جهان گشود. او از او ان جوانی فعالیت سیاسی، فکری و اجتماعی خود را آغاز کرد و پندی نباید که با تاثیر بی که از تماس مستقیم خود با طبقه کارگر گرفت و بررسی عمیقی که بر روی مباحث فرهنگ بشری و جریانهای فکری آن هنگام، به عمل آورد، با در راهی نهاد که او را به جایگاه والای بنیانگذاری ایدئولوژی طبقه کارگر در کنسار مارکس کبیر، رهنمون گشت.

انگلس، اولین اثر مهم تحقیقی خود را در ۱۸۴۴ تالیف کرد. این اثر که نتیجه شرکت فعال او در مبارزه چارتیستها بود و به شیوه ای نقادانه، هوشمندانه بر آثار آرون و اقتصاد دانان کلاسیک انگلیسی فلسفه کلاسیک آلمانی و روشنگری فرانسوی تکیه داشت و هم اکنون نیز دارای اعتبار ویژه است، ”وضع طبقه کارگر انگلستان“ نام دارد. تالیف این اثر، یکسانی سرشتی اندیشه های مارکس و انگلس را آشکار ساخت و در همان سال انتشار آن دیداری بین این دو اندیشمند کبیر، دست داد که طلیعه همکاری و همراهی شمر بخشی گشت که دستاورد آن تدوین مبانی سوسیالیسم علمی بود. آنها، بعد از آشناییشان با یکدیگر، بر آن شدند که راهشان را به طور کامل، از راه ”هگلی های جوان“ جدا سازند. ”خانواده مقدس“ اعلام این جدایی بود. مارکس و انگلس، در این اثر برای نخستین بار، نقش قاطع شیوه تولید در زندگی اجتماعی و مبارزه طبقاتی و نقشش تاریخی - جهانی پرولتاریا، به مثابه نیروی محرک تکامل تاریخی جوامع بشری را باز نمودند. آنها در ادامه فعالیت مشترک، بنا بر نیازهای علمی، تصمیم گرفتند اثر دیگری را به رشته تحریر در آورند که در آن برای نخستین بار خطوط کلی ماتریالیسم تاریخی و تزهای عمده ماتریالیسم دیا لکتیک و کمونیسم علمی، ترسیم گشت. این اثر که برای آن خردمندانه ”حکم سیاه مشق“ را داشت، ایدئولوژی آلمانی نام گرفت. با پدید آمدن طلایه های انقلابات ۱۸۴۸ و حرکت های توانمند تر طبقه کارگر، تشکیل این طبقه در یک سازمان سیاسی، به وظیفه ای مبرم بدل گشت. از همین رومارکس و انگلس ”به مجمع کمونیستها“ پیوستند و در آنجا طرح ما نیفت کمونیست را پی ریختند. در سال

رویدادهای  
جهانحمایت‌های بین‌المللی از ابتکارات  
خاورمیانه‌ای شوروی

شاذلی کلیبی، دبیرکل اتحادیه عرب، طی بیانیه‌ای که در تونس منتشر ساخت، از ابتکار خاورمیانه‌ای جدید اتحاد شوروی پشتیبانی می‌کند. وی اشاره نمود که پیش‌نهادهای اتحاد شوروی با طرح صلح مصوبه کفرانس سران کشورهای عربی در تطابق است و مفساد آن، نابه حال بارها از سوی این کشورها مورد تأیید قرار گرفته است. دبیرکل اتحادیه عرب افزود این امر از سوی جامعه بین‌المللی پیش‌پیش‌مورد پذیرش قرار می‌گیرد که حل بحران خاورمیانه با تشکیل یک دولت فلسطینی در مناطق تحت اشغال اسرائیل پیوند دارد.

همچنین پرزد و کویارد بیرکل سازمان ملل متحد طی اظهاراتی در وین، طرح اتحاد شوروی برای خاورمیانه را مثبت ارزیابی کرد. جموری در مکرانیک یمن و سوریه نیز از این طرح پشتیبانی به عمل آوردند. سازمان آزاد بخش فلسطین بر ضرورت تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای بررسی مسأله خاورمیانه که در پیشنهاد اتحاد شوروی در نظر گرفته شده، تأکید و رزید، خبرنگاری فلسطینی "فایفام" یاسر عرفات رئیس‌کمیته اجرایی "ساف" به رهبری شوروی را منتشر ساخت که در آن، اشاره شده چنین کنفرانسی تنها راه حل بحران خاورمیانه و مسأله فلسطین است.

از سوی دیگر آمریکا و اسرائیل با طرح ماده ۶ ای اتحاد شوروی، و از جمله، تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی با شرکت همه طرفهای ذینفع، مخالفت کرده‌اند. دولت اسرائیل که گوی می‌خواست مخالفت عملی خود با این طرح و با هر گونه راه حل صلح آمیز را به نمایش بگذارد، دست به عملیات نظامی جدید در لبنان زد.

## تظاهرات در اسرائیل

روز شنبه ۴ اوت، دهها هزار تن از مردم یهودی و عرب در شهر "ام‌الفهم" اسرائیل گرد آمدند تا علیه فاشیسم و نژاد پرستی اعتراض کنند. این تظاهرات، پاسخی بود به انتخاب "هه‌ایر کاهان" کانگستر و فاشیست بعنوان عضو پارلمان اسرائیل. همه ساکنان شهر "ام‌الفهم" و هزاران تن از شهروندان یهودی، مقيم تل‌آویو، بیت المقدس، حیفا و سایر نقاط، در تظاهرات شرکت کردند. ۱۰۰ نماینده از احزاب مختلف که در پارلمان حضور دارند، شهرداران، نویسندگان و هنرمندان معروف در این مراسم سخنرانی نمودند. رفیق‌ها ایر هیلز، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، طی نطق خود، میتینگ "ام‌الفهم" را واقعه‌ای تاریخی خواند و گفت افرادی

نظیر آریل شارون وزیر جنگ پیشین و از رهبران "لیکود" و یازنرال اینان در نژاد پرستی و تویلات فاشیستی دست‌کمی از "کاهان" ندارد.

## ادامه‌عادی سازی اوضاع لبنان

هیات دولت لبنان مسایل مربوط به تثبیت اوضاع کشور را بررسی قرار داد. موضوع مباحثات، جنگجویی اجزای برنامه تأمین امنیت بیروت و مناطق کوهستانی "شوف" در شرق بیروت است. به گزارش خبرگزاریها، اوضاع پایتخت لبنان همچنان آرام است و پاکسازی محله‌هایی که در نتیجه آسب زبایدی دیده‌اند، ادامه دارد. فرودگاه بین‌المللی بیروت بطور عادی کار می‌کند. موسسات و سازمانهای مختلف دوباره به کار پرداخته‌اند و فروشاگها باز است. در مدارس امتحانات نهایی جریان دارد.

## رهبر یمن دموکراتیک، ایجاد تشنج

## در دریای سرخ را محکوم کرد

علی ناصر محمد رهبر یمن دموکراتیک، عملیات خصمانه در دریای سرخ را که اخیراً در آن، چند کشتی با مین برخورد کرده و آسیب دیدند، محکوم کرده و گفت جمهوری دموکراتیک خلق یمن، با هر تلاشی برای ایجاد میوانسج در راه کشتی رانی آزاد مقابله خواهد نمود. علی ناصر محمد همچنین نسبت به استفاده از این حوادث بعنوان بهانه جهت استتار مداخله امپریالیستها در امور منطقه هشدار داد. رهبر یمن دموکراتیک افزود: "ما با عملیات تجار و زکراته که هدف آنها متزلزل ساختن پایه‌های حاکمیت ملی جمهوری دموکراتیک خلق یمن و دیگر کشورهاست، با قاطعیت مقابله خواهیم کرد."

## ضیاء الحق، واسطه "سیا" و اشراغ افغانی

هفته نامه عصر جدید می‌نویسد: ضیاء الحق رئیس‌جمهوری پاکستان، واسطه و بیبه طی مصافحه به ای بایک روزنامه هندی گفت: "این ادعا که "سیا" در پاکستان مجاهدین را مسلح می‌کند، صحت ندارد. اگر صحت داشته باشد، من چیزی در باره آن نمی‌دانم. و اگر من از آن خبر نداشته باشم، سلاح‌هایی تواند از طریق قلمرو پاکستان به مجاهدین افغانی برسد." گویی آقای رئیس‌جمهور، منطق مخصوص به خود دارد. همین اخیراً بود که مجله آمریکایی تایم نوشت "سیا" در سال ۷۵ میلیون دلار اسلحه به اشراغی‌ها داد. این کار از طریق بسیاری ناگون و شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد. از جمله از طریق پاکستان به خاطر داریم که سادات رئیس‌جمهوری مقتول مصر اعتراف کرد هوایی‌های سیا حامل اسلحه از یابگاههای واقع در مصر به پرواز آمده و در یابگاههایی در پاکستان فرود می‌آیند. شو لرتزو زیرخارجه آمریکا در دیدار باستانی سال گذشته خود از "اردوگاه اورگان" مکرراً عبارت "ماه اتفاق شما (چنین و چنان) ... خواهیم کرد" را به زبان راند. ایمن،

تنهاییک سخن بی‌محتوی نبود. هم اکنون در پاکستان نزدیک به ۱۰۰ اردوگاه وجود دارد که در آن، مسیابه آموزش و تجهیز ضد انقلابیون مشغول است.

البته اسلام آباد هم بیکار ننشسته است. در جمهوری دموکراتیک افغانستان مرتباً جاسوسان پاکستانی به داعی افتند. سرایان ارتش منظم پاکستان که به هیات "مبارزان مسلمان افغانی" درآمده‌اند به قلمرو همسایه شمالی این کشور وارد می‌شوند.

امارات آمریکا که به اسلام آباد کمک نظامی - اقتصادی به ارزش ۳/۲ میلیارد دلار داده‌اند، هنوز این راهم کافی نمی‌دانند. در ماه مه امسال، مهمان عالی‌رتبه دیگری از واشنگتن جورج بوئن معاون رئیس‌جمهور، مؤکداً رهبری پاکستان خواست کمک خود به ضد انقلاب افغانستان را افزایش دهد. کتر از یک ماه بعد، روزنامه نگاری بنام جک اندرسون در واشنگتن پستانوشت رئیس‌جمهور پاکستان مایل است به "اورگان" سلاح آمریکایی بدهد، یا به عبارت دیگر نقی واسطه را بیاکند. اما این به اصطلاح "عبرتاز" چندان هم تازه نیست!

## "بیانیه جنبش میهنی مورس بیشاب"

در گرانادا، کشور کوچک واقع در دریای کارائیب که سال گذشته مورد هجوم کدستانه اشغالگران آمریکایی قرار گرفت، میهن پرستان و آزاد یخواهان مبارزه خود را برای استیصال استقلال کشور بیرون راندن متجاوز و سعت می‌بخشند. "جنبش میهنی مورس بیشاب" طی بیانیه‌ای که در سنتر جزیراتیخت گرانادا منتشر یافت خواهان خروج فوری همه واحدهای آمریکایی و نشانگان آنها از گرانادا و همچنین ادامه سیاست اقتصادی مترقی دولت مورس بیشاب گردید. به گزارش خبرگزاری "پرسا لاپینا"، این جنبش قصد دارد در انتخابات ماه اکتبر بعنوان تنها نماینده واقعی منافع خلق گرانادا شرکت کرده و خواستههای مذکور را به پلاتفرم انتخاباتی خود تبدیل کند. "جنبش میهنی مورس بیشاب" در بیانیه خود تأکید می‌کند که برای ادامه راه نخست و زیرفقید گرانادا، مردمان کشور باید سرنوشت خود را به دست خویش تعیین کنند. جنبش میهنی، در ۲۷ ماه مه سال جاری توسط همزمان و دوستان نزدیک مورس بیشاب و به مناسبت چهلین زادروز او تاسیس گردید.

## رئیس جمهوری

## سابق آرزاتین، بازداشت شد

بدنبال تظاهرات وسیع مادران "ناپید" شدگان "آرزاتین" و سلبر مردم این کشور، نوزاد خورخه هیدالا دیکتاتور نظامی اسبق آرزاتین بازداشت شد. مقامات قضایی، که به درخواست دولت راتول آلفونسین رئیس‌جمهور، تحقیقات در باره سرنوشت هزاران "ناپید" شده در دوران حکومت نظامیان را آغاز کرده‌اند، به مدارک زیادی دال بر مقصر بودن هیدالا دست یافتند.



**فضولی موقوف!**

چندی قبل آقای غرضی وزیر نفت در دانشگاه اقتصاد تهران در یک جلسه بحث آزاد شرکت می کند . در این جلسه اساتید و کارشناسان اقتصاد حضور داشتند . در پایان سخنرانی غرضی ، سئوالات حضار طرح می شود . یکی از حاضرین که کارشناس سازمان برنامه و بودجه بود ، می پرسد علت تفاوت در رقم درآمد های وزارت نفت و مبلغ پرداختی این وزارتخانه به دولت چیست ؟ او این تفاوت را یک میلیارد و شصصد و پنجاه میلیون تومان می دانست و می خواست بداند که این پول به کجا رفته است . غرضی که از پاسخ دهی عاجز بود با توضیحات کوتاه و نامربوطی کوشید بحث را در زیرگیرد . کارشناس مزبور ضمن نا کافیی شمردن این توضیحات سئوال خود را تکرار کرد . غرضی خشمگین شده و در پشت تریبون فریاد کشید که " من حاضر نیستم اینجا باشم ما بحث کنیم . باید بلند شوی و با هم به دانشگاه برویم . . . تو می خواهی علیه جمهوری اسلامی تهمت بزنی . باید دستگیر شوی و سزای کارت را ببینی " در پی این توضیح مستدل غرضی ، جلسه بهم می ریزد و اعضا آنجمن اسلامی کارشناس مزبور را کشتان کشتان از جلسه خارج کرده و بلا خود می برند .

**اعلام آمادگی یا شاخ و شانه کشیدن برای مردم**

هم زمان با اوج گیری تشنج در خلیج فارس ، سپاه پاسداران در روز چهارم خرداد دست به مانور راهپیمایی سراسری زد . این مانور که ظاهراً به بهانه نشان دادن آمادگی برای مقابله با امپریالیسم انجام یافت در حقیقت به منظور ارعاب مردم طراحي شده بود . رژیم می خواست با کشتادن همه نیرو های انتظامی و امنیتی به خیابانها ، قدرت خویش را نشان دهد و وانمود کند که گویا همواره ارگانهای سرکوب بر همه چیز و همه جامسلط هستند . به این منظور از چند روز قبل شهر عملاً در وضعیت آشکار حکومت نظامی قرار گرفت . تعداد انبوهی از اتومبیل های گشت ارگانهای مختلف همراه با هزاران اکیپ موتور سواریها با نهان تهران را قرق کردند . موتورها های دارای دو یا سه سرنشین از یک چهارراه به سوی چهارراه بعدی می رانند و همزمان اکیپ دیگری از موتور سواریان همین مسیر را بالعکس طی می کنند . هر از چند گاهی سرنشینان

موتور سیکلت ها تعویض می شدند . سرنشینان تازه ای باریخت و قیافه دیگری این وظیفه را بر عهده می گرفتند . عابری که مسیر میان دو چهارراه مجاور را طی می کرد حتماً در طول این مسیر کوته ، سه چهار یا موتورهای گشت بر خورد می کرد . موتور سواریان که تماماً مسلح بودند ، با سرو صدا و پیرایه می کوشیدند حضور خود را نمایش دهند . با هر بهانه ای عابری را متوقف و بازرسی می کردند و وعده زیادی را تحت عنوان مشکوک توقیف کردند . هیچگاه مردم تهران این همه موتور سواری را در خیابانها ندیده بودند . این در حالی است که بخاطر ایذای ماموران ، مردم به آسانی نمی توانند از موتور سیکلت برای رفت و آمد استفاده کنند . همه موتورها باید شماره شده و موتور سواریان موظفند گواهینامه به همراه داشته باشند . موتورهای سنگین به محض دیده شدن ضبط می شوند . حتی تردد با موتورهای گازی هم با هزار اشکال صورت می گیرد .

شلتاق موتور سواریان و اتومبیل های گشت در تهران این بارینج روزه طول انجامید و سپس ابعاد معمولی به خود گرفت . ابعاد که خود بسیار گسترده است . این وضعیت در تهران با استفاده از هر فرصتی نظیر انتخابات و . . . تکرار می شود .

**دانشگاه خاموش نمی شود**

با وجود اینکه رژیم جمه و ری اسلامی با اخراج و دستگیری و سیخ دانشجویان و استادان ، و با سیستم گزینش بخایت ارتجاعی کوشیده است تا دانشگاههای کشور را در انحصار و کنترل خود درنگ داشته باشد اما دانشجویان و همچنین استادان از هر فرصتی برای بیان اعتراض استفاده می کنند . علیرغم سببانه ترین شرایط سرکوب درد دانشگاههای کشور حرکات اعتراضی خاموش نشده است . مابیش از این نمونه هایی از آن را در همین صفحه درج کرده بودیم . اینک به نمونه های دیگری اشاره می کنیم .

— اخراج يك دانشجو از کلاس در اراک باعث اعتراض جمعی دانشجویان می شود . دانشجویان با تجمع در اطاق رئیس دانشگاه خود استار لغو تصمیم مزبور و اجتناب از انتخابات تصمیمات مشابه می شوند . دانشجویان دانشگاه آزاد با شرکت در یک حرکت دسته جمعی صنفی محو استار میشوند تا به آنان نیز مانند دانشجویان دیگر دانشگاههای کشور مردم رگ تحصیلی داده شود .

— در دانشگاه فنی دانشگاه تهران عدّه ای از اساتید دست به اعتصاب زد و از رفتن به کلاسهای درس خودداری می کنند . آنها به بیسوادگی گروهی از دانشجویان جدید ، که برگزیده ارگانها و نهاد های حکومتی بودند ،

اعتراض داشتند . — دانشجویان مرکز تربیت معلم نسیم به مدت يك روز در محل دانشگاه متحصن می شوند . برای این دانشجویان که در رشته ورزش تحصیل می کنند ، کلاسهای عربی ، تعلیمات دینی و . . . گذاشته بودند و در عوض از ساعات آموزشهای علمی کم کردند . دانشجویان به این تصمیم معترض بودند .

— در مرکز آموزش پرستاری دختران ( وابسته به وزارت بهداشت ) برخی از دانشجویان به اجباری شدن مقنعه اعتراض می کنند که موفق نمی شوند .

— در یکی از دانشگاه های دانشگاه تهران محل سلف سرویس را با نصب پرده به دو قسمت تقسیم می کنند . يك قسمت را که بسیار هم کوچک بود به دانشجویان دختر اختصاص می دهند . دانشجویان دختر به این اقدام و نا کافیی بودن جدا اعتراض می کنند که مسغولین و انجمن اسلامی به آن توجهی نمی کنند .

**مسکن مشکل دیگر دانشجویان**

در سال تحصیلی گذشته دانشجویان شهرستانی برای تهیه مسکن با مشکلات لاینحلی رو برو بودند . بسیاری از آنها با لاخره نتوانستند اطاقی را اجاره نمایند و به ناچار تا پایان سال در مسافرخانه ها بسربردند . خوابگاههای دانشجویی که بیش از ظرفیت خود دانشجویان داشت ، قادر به پذیرش هزاران دانشجوی جدید نبود . در همه اطاقهای خوابگاهها تاد و برابر تخت گذاشتند . سلف سرویس ، سالن مطالعه و در مواردی حتی در دفتر خوابگاه ها هم تخت زدند اما بازم تعداد انبوهی دانشجویان بقیه در صفحه ۵

**AKSARIYAT**  
**NO.19**  
**FRIDAY.10AUGUST84**

**Address** آدرس  
 POSTFACH 23007 آلمان فدرال  
 6500 MAINZ 23  
 W. GERMANY

**P.O. BOX 101** انگلستان  
 LONDON N17 6YU  
 ENGLAND

**P.O. BOX 66156** ایالات متحده  
 LOS ANGELES, CA 90086  
 USA

**C.P. 3125** ایتالیا  
 00122 OSTIA LIDO (ROMA)  
 ITALY

**P.O. BOX NO 3018** هندوستان  
 NEW DELHI - 110003  
 INDIA

**مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا**